



رشد تولید، الزامات و سازوکارهای تحقق آن با تأکید بر تولیدات ساخت‌محور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۴/۱۰

شماره مسلسل: ۱۹۰۶۳

کد موضوعی: ۳۱۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:
رشد تولید، الزامات و سازوکارهای تحقق آن
با تأکید بر تولیدات ساخت محور

نام دفتر:

مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه صنعت)

تهیه و تدوین کنندگان:

فاطمه میرجلیلی، حسین رجب‌پور

ناظران علمی:

حبیب‌اله ظفریان، سعید شجاعی، علی اژدری

اظهار نظر کنندگان:

علی اژدری، میلاد بیگی

همکاران:

مرتضی نیکخواه‌نسب، علی صابری، شاهین جوادی، محمد حسین پیروی

صفحه آرا:

نفیسه حاجی صفری

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد



واژه‌های کلیدی:

۱. رشد تولید

۲. صنایع ساخت محور



دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن

فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۸	مقدمه
۹	۱. اهمیت رشد تولید
۱۳	۲. تبیین وضع موجود
۱۵	۳. بررسی سازوکارهای تحقق هدف رشد تولید در سال ۱۴۰۲
۳۳	جمع بندی و پیشنهادها
۳۶	منابع و مآخذ

فهرست جداول

۱۸	جدول ۱. مهم ترین موانع کسب و کار در سال ۱۴۰۱
۲۰	جدول ۲. تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش های اقتصادی و عمده ترین هدف از دریافت طی ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱
۲۰	جدول ۳. سهم منابع تأمین مالی بخش صنعت و معدن (درصد)
۲۲	جدول ۴. رتبه شاخص حقوق مالکیت ایران و برخی کشورهای همسایه در سال ۱۴۰۰
۳۵	جدول ۵. چالش های رشد تولید مستمر و سریع و ارائه جهت گیری های راهبردی

فهرست نمودار

۱۰	نمودار ۱. چرخه رشد تولید
۱۰	نمودار ۲. وضعیت تولید در الگوی تداوم وضع موجود و انجام اصلاحات
۱۱	نمودار ۳. فرایند تولید و بسترهای پشتیبان
۱۲	نمودار ۴. فضای حمایت از تولید در سطوح مختلف
۱۳	نمودار ۵. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، ارزش افزوده و نرخ رشد بخش صنعت (ساخت) و معدن به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ طی سال های ۱۳۹۱-۹ ماهه ۱۴۰۱
۱۴	نمودار ۶. تغییرات تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در اقتصاد ایران به قیمت های ثابت سال ۱۳۹۰ طی سال های ۱۳۹۰-۹ ماهه سال ۱۴۰۱
۱۵	نمودار ۷. سهم ایران و برخی از کشورهای همسایه از صادرات جهانی در سال ۱۴۰۰
۱۶	نمودار ۸. سهم مقاصد صادراتی عمده کشور از صادرات غیر نفتی در ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱ (درصد)
۱۷	نمودار ۹. سطح فناوری صادرات محصولات صنعتی ایران در سال ۲۰۲۰ میلادی
۱۸	نمودار ۱۰. متوسط سالیانه شاخص محیط کسب و کار طی سال های ۱۳۹۶ الی ۹ ماهه سال ۱۴۰۱
۱۹	نمودار ۱۱. تغییرات سالیانه نرخ ارز و شاخص بهای تولید کننده طی سال های ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۱
۲۱	نمودار ۱۲. مقایسه تورم نقطه به نقطه تولید کننده در بخش معدن و شاخص کل
۲۴	نمودار ۱۳. محورهای مرتبط با کارکرد پشتیبانی از بخش تولید ساخت محور
۲۷	نمودار ۱۴. مدل مفهومی برای ارتباط مؤسسات آموزش عالی و بخش صنعت
۲۹	نمودار ۱۵. موانع تولید در بخش توسعه فناوری
۳۰	نمودار ۱۶. ضریب وابستگی وارداتی به تجهیزات سرمایه ای در رشته فعالیت های صنعتی
۳۱	نمودار ۱۷. متوسط شاخص بهرهوری کل عوامل تولید به تفکیک بخش های اقتصادی طی سال های ۱۳۹۹-۱۳۹۰
۳۲	نمودار ۱۸. ساختارهای خوشه ای و شبکه ای و تأثیر آن بر رقابت پذیری بنگاه ها
۳۳	نمودار ۱۹. مدل بهینه روابط افقی و عمودی بین لایه های مختلف بنگاهی



رشد تولید، الزامات و سازوکارهای تحقق آن با تأکید بر تولیدات ساخت‌محور

چکیده



هدف گزارش حاضر تحلیل الزامات و سازوکارهای تحقق شعار سال با عنوان «مهار تورم، رشد تولید» با تمرکز بر موضوع رشد تولید است. شایان ذکر است براساس این گزارش منظور از رشد مستمر و سریع تولید، ارتقای توأمان کیفیت و کمیت تولید (و نه فقط کمیت آن) است. به عبارتی رشد تولید هنگامی قابل تحقق است که سیاست‌های دولت پیش‌بینی‌پذیر باشد و بتواند گذار اقتصاد از تولیدات منبع‌محور (که صرفاً وابسته به استخراج بیشتر منابع طبیعی) است به تولیدات ساخت‌محور (کارایی‌محور و سپس دانش‌بنیان) را تشویق کند و فراتر از کمیت تولید، کیفیت آن را نیز افزایش دهد.

تحلیل آمار موجود نشان می‌دهد که متوسط رشد اقتصادی تولید ناخالص داخلی کشور در طول ۱۰ سال گذشته حدود ۲/۲ درصد، رشد بخش صنعت ساخت حدود ۰/۳ درصد و بخش معدن ۲/۰۴- درصد بوده است. به‌منظور تحلیل و برون‌رفت از وضعیت پیش‌گفته، شرایط بخش تولید به‌عنوان تابعی از فضای بین‌المللی تولید، فضای ملی و فضای بخشی تولید در نظر گرفته شد و شاخص‌های مرتبط با هر یک بررسی شد. سهم ۰/۳ درصدی از تجارت جهانی با تنوع مقاصد صادراتی محدود و سهم بیش از ۵۰ درصدی محصولات صنعتی منبع‌محور در مقایسه سهم ۰/۵ درصدی محصولات صنعتی با فناوری پیشرفته مبتنی بر شاخص رقابت‌پذیری صنعتی، از مشخصات تولید کشور در سطح بین‌المللی است. نامساعدتر شدن فضای کسب‌وکار در سال ۱۴۰۱ و پیش‌بینی‌پذیر نبودن قیمت محصولات و مواد اولیه، بی‌ثباتی سیاست‌ها و قوانین و رویه‌های اجرایی ناظر بر فضای کسب‌وکار و دشواری تأمین مالی (به‌عنوان مهم‌ترین موانع کسب‌وکار در سال ۱۴۰۱)، کیفیت حکمرانی و ضعف تضمین حقوق مالکیت، برهم زنده شرایط لازم برای رشد مستمر و پایدار تولید در سطح ملی است. در سطح بخشی وضعیت محورهای پشتیبان تولید از جمله تأمین انرژی، تأمین مواد اولیه، ساختار صنعت، نیروی انسانی، فناوری و محدودیت‌های آنها بررسی و به‌منظور رفع تنگناهای موجود در مسیر تحقق هدف رشد تولید در صنایع منتخب ساخت‌محور متناسب با هر یک، راهکارهایی پیشنهاد شده است.

« خلاصه مدیریتی

بانک‌ها با هدف تأمین سرمایه در گردش بوده و متنوع‌سازی ابزارها و روش‌های تأمین مالی تولید و ارتقای کیفیت حکمرانی و افزایش امنیت حقوق مالکیت در سطح ملی، می‌تواند در رشد مستمر و سریع تولید اثرگذار باشد.

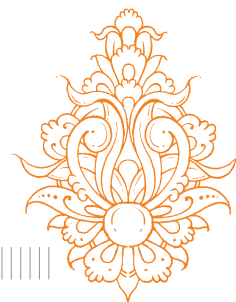
در سطح بخشی اولین گام برای دستیابی به رشد مستمر و پایدار، هدفمند و همگرا شدن سیاست‌های صنعتی، اولویت‌بندی و تمرکز تلاش‌ها و حمایت‌ها در بخش‌های دارای اولویت است. در گام بعد تقویت محورهای پشتیبان بخش تولید از جمله تأمین انرژی، فناوری، آموزش و توسعه نیروی انسانی، ساختار صنعت و تأمین مواد اولیه باید مورد توجه قرار گیرد. در بخش انرژی متوسط میزان رشد سالیانه مصرف گاز در ۱۰ سال اخیر برابر با ۵/۳ درصد بوده است. این در حالی است که در سمت تولید شرایط مناسب نبوده و در کوتاه‌مدت افزایشی در میزان تولید متصور نیست. افزایش بی‌رویه مصرف بخش‌های غیر تولیدی، عدم انجام پروژه‌های بهینه‌سازی و مشکلات موجود در افزایش ظرفیت تولید، میزان کسری و مسئله ناترازی گاز کشور در سال‌های پیش‌رو را بیشتر خواهد کرد و منجر به اصاب زیان بیشتر به صنایع خواهد شد. در خصوص برق نیز، علی‌رغم افزایش ظرفیت تولید برق کشور طی سالیان اخیر، شیب رشد مصرف برق کشور بیشتر از تولید بوده و این افزایش چشمگیر مصرف برق باعث بروز ناترازی در تولید و مصرف برق شده است. در حوزه آموزش با وجود اهمیت ارائه خدمات آموزشی برای توسعه صنایع ساخت که وابستگی بالایی به نیروی انسانی متخصص دارد، به‌نظر می‌رسد به‌دلیل برخورداری دولت از درآمدهای نفتی (به‌ویژه در دوره‌های رونق نفتی)، اجزاء و مؤلفه‌های سیاست‌های آموزشی در ایران بیشتر با اتکا بر حمایت‌های دولتی و به‌صورتی عرضه-محور و نه منطبق با نیاز صنعت شکل گرفته‌اند. وابستگی زنجیره‌های ارزش به نهاده‌های وارداتی، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید، عدم شکل‌گیری ساختار مطلوب روابط توسعه‌یافته و شبکه‌سازی عمودی در صنایع از دیگر چالش‌های محورهای پشتیبان تولید هستند. به‌منظور رفع تنگناهای موجود در مسیر تحقق هدف رشد تولید در صنایع منتخب ساخت‌محور مشتمل بر صنایع خودروسازی، پوشاک و نساجی و لوازم خانگی متناسب با هریک براساس محورهای پشتیبان تولید از جمله تأمین انرژی، تأمین مواد اولیه، ساختار صنعت، نیروی انسانی، فناوری راهکارهایی پیشنهاد شده است.

خروج از چرخه رکودهای تورمی و سپس دوره‌های کم‌رشدی، هنگامی قابل تحقق است که قابلیت‌های تولیدی یا به عبارت دیگر، کیفیت (و نه فقط کمیت رشد) در کشور افزایش یابد. به‌طور دقیق‌تر، رشد اقتصادی مستمر و سریع زمانی قابل تحقق است که کیفیت تولید ارتقا یابد. این موضوع در هر دو سمت عرضه و تقاضای تولیدات داخلی نیازمند توجه است. تکمیل ظرفیت‌های موجود و سرمایه‌گذاری برای تولید محصولات رقابت‌پذیر در سمت عرضه و افزایش سهم تولیدات داخلی از بازارها در سمت تقاضا از جمله این موارد است. به عبارتی تداوم بخشی به رشد تولید، فراتر از خروج از رکود، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های متنوعی است که هم در قالب تنوع‌یابی تولید (تولید محصولات متنوع‌تر) و هم در قالب تخصص‌یابی تولید (تولید کارآتر محصولات با کیفیت و متمایز) تبلور می‌یابد. از این‌رو فرایند تولید به اقدامات پیشین و پسین، هم در سطح بنگاه و هم در سطوح بخشی، ملی و بین‌المللی نیاز دارد.

بررسی آمار طی ۱۰ سال اخیر نشان می‌دهد رشد اقتصادی کشور علی‌رغم تأکید بر «رشد شتابان و مستمر» در سند چشم‌انداز و اسناد بالادستی کشور، از روندی پایدار پیروی نکرده و ماحصل متوسط رشد تولید ناخالص داخلی کشور در طول ۱۰ سال گذشته، حدود ۲/۲ درصد بوده است. روند نزولی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز دلالت بر کاهش قابلیت ایجاد ظرفیت‌های جدید در اقتصاد کشور دارد.

به‌منظور بهبود شرایط موجود، شاخص‌هایی مانند جایگاه ایران در صادرات جهانی با سهم ۰/۳ درصد، تمرکز صادراتی بالا (۷۵ درصد صادرات غیرنفتی کشور به ۵ کشور جهان)، سهم پایین تولیدات داخلی با فناوری متوسط و پیشرفته (۳۲/۵ درصد فناوری متوسط و ۰/۵ درصد فناوری پیشرفته) و چالش‌هایی مانند محدودیت‌های تأمین منابع ارزی و مبادلات پولی در شرایط خاص بین‌المللی، استفاده مناسب از ابزار دیپلماسی اقتصادی در سطح بین‌المللی را گوشزد می‌کند.

همچنین بهبود محیط کسب‌وکار از طریق رفع نقایص نظام ارزش‌گذاری پول ملی و کاهش نوسانات شدید نرخ ارز، تقویت بازار محصولات واسطه‌ای از طریق کالاهای نهایی و در نتیجه کاهش وابستگی بخش تولید به واردات، متناسب‌سازی تسهیلات پرداختی به تولید برای تأمین سرمایه در گردش، بازسازی و نوسازی و ایجاد و توسعه (۷۵ درصد تسهیلات پرداختی



مقدمه

تحلیل بیش از یک دهه نامگذاری‌های سال توسط مقام معظم رهبری، مؤید اهمیت مقوله تولید و ضرورت توجه به آن در تمامی عرصه‌هاست؛ به طوری که از ابتدای دهه ۱۳۹۰ موضوع اقتصاد مبتنی بر رویکردهای اقتصاد مقاومتی هدف قرار گرفت و در سال‌های اخیر به طور خاص بهبود اقتصادی تولید محور اصلی بوده است. در سال ۱۳۹۸ با عنوان «رونق تولید» هدف، جلوگیری از تعمیق رکود و حفظ شرایط با استفاده از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد بود تا بتوان در گام بعد و در ادامه مسیر در سال ۱۳۹۹ به «جهش تولید» دست یافت. در امتداد پیگیری موضوع تولید، احصای چالش‌ها و حمایت هدفمند از تولید با نامگذاری سال ۱۴۰۰ با عنوان «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی» آغاز شد و با هدف تعمیق و تنوع‌بخشی تولید در سال ۱۴۰۱ موضوع دانش‌بنیان بودن تولید مورد توجه قرار گرفت و اکنون سال ۱۴۰۲ با عنوان «مهار تورم، رشد تولید» نامگذاری شد. در سالی که گذشت نرخ رشد اقتصادی ۹ ماهه (بر مبنای سال پایه ۱۳۹۰) ۳/۳ درصد و نرخ تورم سالیانه بهمن ماه سال ۱۴۰۱ (بر مبنای سال پایه ۱۳۹۵) ۴۷/۷ درصد گزارش شد.^۱

آمار موجود حاکی از آن است که رشد کم توأم با تورم با وجود اقدامات مثبت صورت گرفته همچنان به عنوان یکی از معضلات اساسی کشور محسوب می‌شود. از آنجایی که موضوعات کلیدی تعیین شده در نامگذاری‌ها به عنوان منظومه راهبردهای مقام معظم رهبری برای اعتلای کشور همواره باید سرلوحه برنامه‌ریزی‌های کشور باشد، در این گزارش منظور از مهار تورم و رشد تولید، اتخاذ تدابیر مناسب در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت است که اقدامات مرتبط و نتایج حاصل منحصر به بازه زمانی یک‌ساله نخواهد بود. نکته دیگر اینکه یکی از دلایل عدم دستیابی به رشد مستمر و پایدار در طول سال‌های گذشته فقدان استراتژی توسعه صنعتی و نیز استراتژی‌های توسعه‌بخشی و به تبع آن حمایت‌های غیرهدفمند و غیرزماندار از تولید است که وضعیت موجود و رشد منفی متغیر کلیدی تشکیل سرمایه نشان از اثربخشی ضعیف آن دارد. لذا رشد تولید باید با فاصله گرفتن از خام‌فروشی و تولید محصولات با ارزش افزوده بالا مبتنی بر استراتژی‌های بخشی صورت گیرد. شایان ذکر است معضل تورم ریشه در عوامل گوناگونی از جمله ناترازی‌های پولی و مالی و فشار ناشی از طرف تقاضا و ناکارایی سمت عرضه اقتصاد و مشکلات ساختاری در اقتصاد کشور دارد که مهار آن مستلزم اصلاحات اساسی است و بررسی آن در گزارش مجزایی باید صورت گیرد، از این رو تمرکز گزارش حاضر بر رشد تولید و چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با محوریت صنایع ساخت‌محور منتخب است. برای این منظور در بخش اول گزارش حاضر، اهمیت رشد تولید تبیین شده و در بخش دوم، وضع موجود تولید بررسی شد. در بخش سوم سازوکارهای تحقق هدف رشد تولید در سال ۱۴۰۲ و در نهایت جمع‌بندی و پیشنهادهای ارائه شده است.

۱. اهمیت رشد تولید



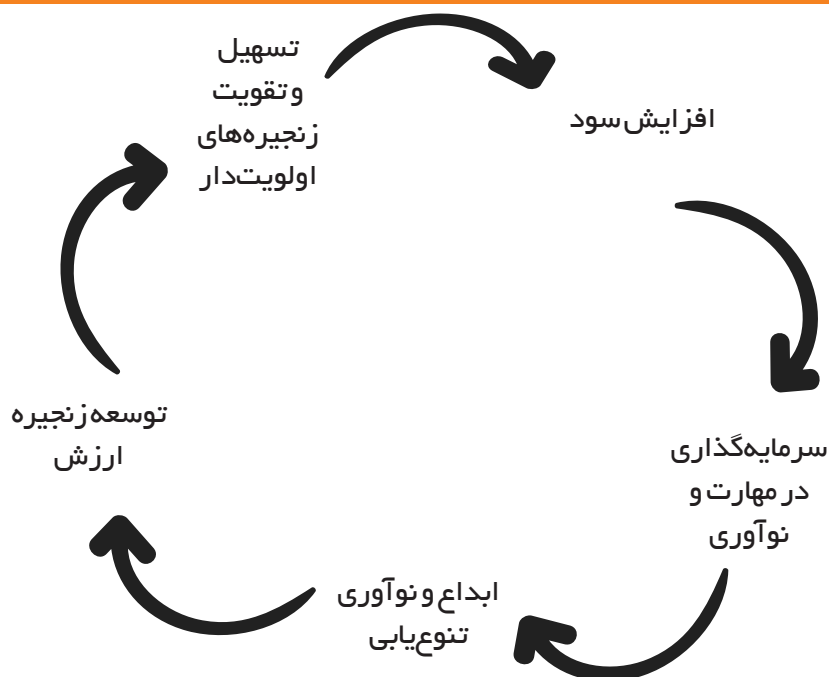
و تقاضای تولیدات داخلی نیازمند توجه است. از منظر ظرفیت‌های عرضه، هنگامی که اقتصاد برای چندسال با رکود و تولید زیر ظرفیت بنگاه‌ها روبرو باشد، رشد تولید، با تغییر شرایط اقتصادی به سرعت قابل تحقق است. در این وضعیت بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی بدون نیاز به سرمایه‌گذاری یا کسب مهارت‌های تولیدی جدید، با افزایش استفاده از منابع و رساندن خود به حداکثر ظرفیت تولید می‌توانند به سرعت به تقاضای بازار پاسخ گفته و سطحی از رشد را به ارمغان آورند، با وجود این فراتر از این مرحله، افزایش تولید نیازمند سرمایه‌گذاری، تغییر مقیاس تولید و بعضاً انتقال فناوری و بهبود آن است، این مسائل به راحتی برای واحدهای تولیدی ممکن نیست. از منظر تقاضا، رونق اقتصادی می‌تواند تقاضای محصولات تولیدی بنگاه‌ها را افزایش دهد، اما پس از این مرحله، حفظ سهم از بازار داخلی یا افزایش سهم و فراتر از آن حضور در بازارهای بین‌المللی (برای تداوم بخشی به رشد تولید) نیازمند تولید محصولات رقابت پذیرتر یعنی محصولاتی با هزینه کمتر یا کیفیت بهتر یا متمایز (یا اصطلاحاً دستیابی به کارایی، کیفیت و تمایز) است که نه فقط با بهره‌گیری بهتر از عوامل موجود، بلکه با سرمایه‌گذاری روی فناوری، سازمان فروش و بهبود کیفی محصولات سروکار دارد. این نیازمندی، سرمایه‌گذاران را مجبور می‌کند مهارت‌های جدیدی را کسب کنند که کسب آن هم زمانبر و هم نیازمند حمایت‌های همه‌جانبه از تولید است. به عبارت دیگر، تداوم بخشی به رشد تولید، فراتر از خروج از رکود، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های متنوعی است که هم در قالب تنوع‌یابی تولید (تولید محصولات متنوع‌تر) و هم در قالب تخصص‌یابی تولید (تولید کارآتر محصولاتی با کیفیت و متمایز) تبلور می‌یابد و رشد تولید را به موضوعی پیچیده و چالش‌آفرین بدل می‌سازد. نمودار ۱، فرایند رشد تولید را نشان می‌دهد.

اقتصاد ایران در یک دهه گذشته، با کم‌رشدی و افزایش متوسط نرخ تورم‌های سالیانه روبرو بوده است. همچنین با وجود آنکه براساس آمارهای منتشر شده مرکز آمار، اقتصاد کشور در ۹ ماهه اول سال ۱۴۰۱، از نرخ رشد ۳/۳ درصدی بهره‌مند شد، براساس آمار همین مرکز، همراه شدن این نرخ رشد با تورم حدوداً ۵۰ درصدی (۴۷/۷ درصد تا پایان بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱)، پایداری این نرخ رشد در سال جدید را با ابهام روبرو ساخته و اثربخشی آن در خروج از مشکلات کشور را تضعیف می‌کند. شاید بتوان گفت که در شعار سال جاری «مهار تورم» و «رشد تولید» به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گرفته است تا تأکیدی بر این نکته باشد که خروج از رکود و احیای رشد باید با مهار تورم همراه باشد تا راه‌گریز از چرخه باطل تحقق رشدهای ناپایدار و ضعیف و سپس بازگشت به رکودهای تورمی را هموار سازد.

علاوه بر نکته بالا، بررسی آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد که نرخ رشد اقتصادی همراه با نفت بیشتر از نرخ رشد اقتصاد بدون نفت بوده است، به گونه‌ای که در دوره یاد شده، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت ۲/۹ درصد بوده که کمتر از رشد اقتصادی با نفت است. بنابراین اگر چه در دو سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ اقتصاد ایران رشد مثبتی را تجربه کرده، اما بخشی از این رشد همچنان متأثر از نفت است و به‌ویژه با توجه به تورم بالایی که در کشور وجود دارد، در میان مدت و بلندمدت، نمی‌توان انتظار داشت که این رشد لزوماً تداوم یابد.

به نظر می‌رسد خروج از چرخه رکودهای تورمی و سپس دوره‌های کم‌رشدی، هنگامی قابل تحقق است که قابلیت‌های تولیدی یا به عبارت دیگر، کیفیت (و نه فقط کمیت رشد) در کشور افزایش یابد. به عبارت دقیق‌تر، رشد اقتصادی مستمر و سریع زمانی قابل تحقق است که کیفیت تولید توأم با کمیت ارتقا یابد. این موضوع در هر دو سمت عرضه

نمودار ۱. چرخه رشد تولید

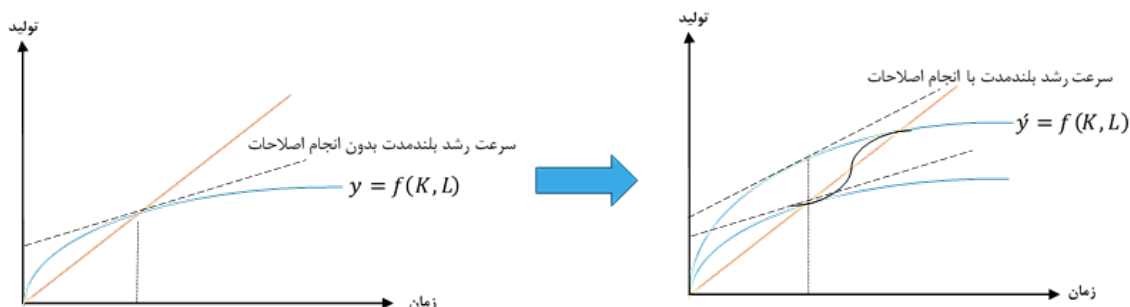


مأخذ: یافته‌های گزارش

برزیل، پاکستان، آرژانتین، شیلی در میانه قرن بیستم تجربه شد. استمرار بخشی به رشد هنگامی ممکن است که نه فقط کمیت، بلکه کیفیت رشد مورد توجه قرار گیرد. مطالعات توسعه نشان می‌دهد عبور از کم‌رشدی و دستیابی به رشد سریع و مستمر بدون انجام اصلاحاتی که در ادامه درباره آن توضیح داده خواهد شد، ممکن نیست. نمودار ۲، مدلی برای دستیابی به رشد تولید با انجام اصلاحات و بدون آن را نشان می‌دهد.

امروزه یکی از دستاوردهای مهم در ادبیات رشد اقتصادی، شناسایی تمایز میان مرحله تحریک و آغاز رشد با مرحله استمرار و پایدارسازی آن است. کشورهای در حال توسعه در تحریک رشد موفق بوده و حتی توانسته‌اند برای چند سال رشدهای سریع را تجربه کنند، اما آنچه به توسعه و گذار پایدار اقتصادی منجر می‌شود نه توانایی تحریک رشد، بلکه توانایی پایدارسازی رشد است، یعنی گریز از آنچه به چرخه‌های حرکت - توقف^۱ در ادبیات رشد مشهور شده و در کشورهایی مانند

نمودار ۲. وضعیت تولید در الگوی تداوم وضع موجود و انجام اصلاحات



1. Stop-go Cycles.

بیشتری در اقتصاد ایران کشف و محقق شده و سرعت رشد بلندمدت افزایش خواهد داد. بنابراین باید توجه داشت که اگرچه بدون تحقق تمام و کمال سازوکارهای حمایت از تولید، می توان در کوتاه مدت سطحی از رشد تولید را تجربه کرد، اما رشد مستمر و سریع تولید نیازمند اقدامات اصلاحی است که در گزارش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

توجه دقیق تر به فرایند تولید که در نمودار ۳ آمده است نشان می دهد که تولید فرایندی است که با ابعاد گوناگون حیات جمعی ارتباط دارد، این فرایند از یکسو متأثر از فناوری تولید است و از سوی دیگر متأثر از قواعد و نهادهایی است که بسستر فعالیت های تولیدی را می سازد. به عبارت دیگر، تولید فرایندی است که هم از سطح دانش مولد موجود در یک کشور و هم از سطح نهادمند شدن تعاملات اقتصادی و میزان کنترل نااطمینانی ها و مخاطرات این تعاملات تأثیر می پذیرد.

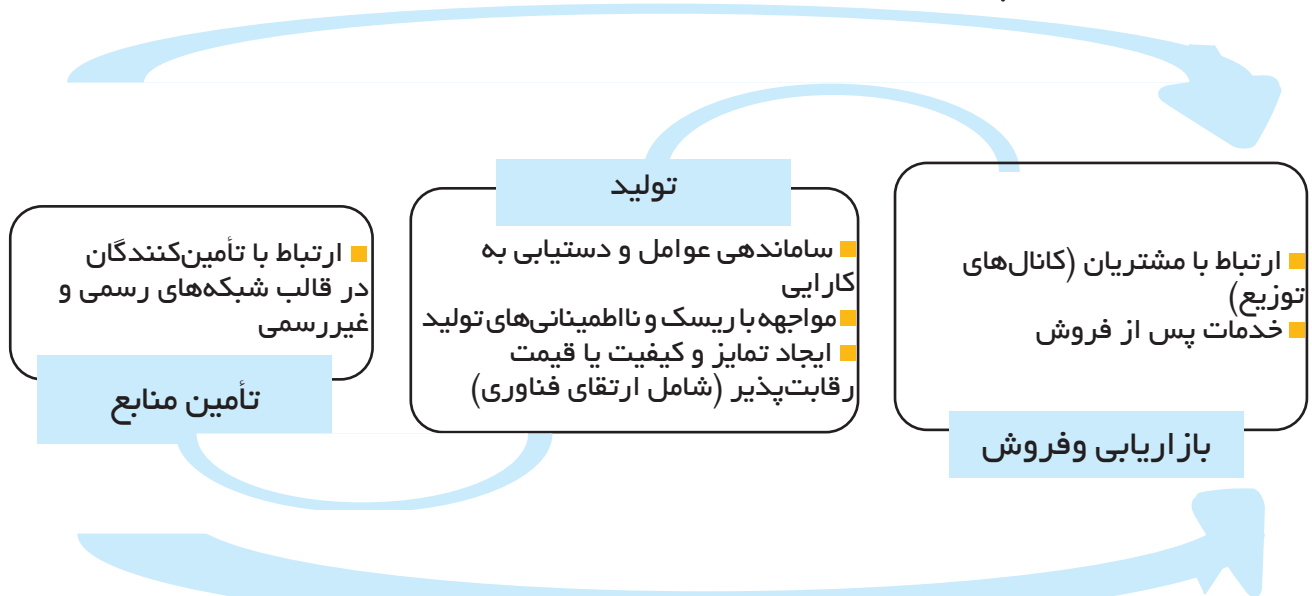
تولید کنندگان از یکسو با انواع و اقسام دانش هایی که به سازماندهی و هماهنگی میان عوامل تولید کمک می کند سروکار دارند و از سوی دیگر با نااطمینانی هایی که سرمایه گذاری و ورود به حوزه های جدید یا تلاش برای تغییر فرایند تولید با آن مواجه است، بنابراین هنگامی رشد تولید (به جای رونق تولید) تحقق می یابد که سیاست ها و قواعد موجود در کشور بتوانند با بسسترسازی، تسهیل و حتی حمایت گری، فعالیت های مولد و با ارزش افزوده بالاتر را تشویق کنند.

نمودار ۲، وضعیت تابع تولید را در اقتصادها نشان می دهد. اقتصادها، بسته به ظرفیت های تحقق نیافته خود از سرعت رشد متفاوتی برخوردار هستند. براساس نظریه های اولیه رشد، اقتصادهای در حال توسعه به دلیل ظرفیت های تحقق نیافته و به ویژه بازدهی بیشتر سرمایه در این اقتصادها شاهد رشد سریع اقتصادی و کاهش شکاف با کشورهای پیشرفته خواهند بود. علی رغم این پیش بینی، تجربه اقتصاد جهانی در ۷ دهه پس از جنگ جهانی دوم، شکاف فزاینده میان کشورهای غنی و فقیر بوده است. در چارچوب اقتصاد توسعه، موانع متعدد، از جمله موانعی که در بخش قبل اشاره شد، مانع رشد مستمر و پایدار تولید در اقتصادهای در حال توسعه است، این موضوع موجب می شود تا بسیاری از این اقتصادها پیش از رسیدن به کشورهای در حال توسعه در دام درآمد سطح پایین^۱ یا دام درآمد متوسط^۲ در جازده و بارشدهای اندک یا رشد های مقطعی (چرخه های حرکت - توقف) مواجه شده و از دستیابی به جایگاه کشورهای پیشرفته بازمانند.

براساس بخش چپ نمودار ۲، می توان گفت که در صورت عدم توجه به الزامات حمایت از تولید در سطوح مختلف، اقتصاد ایران در سال های آتی حتی اگر برای یکی دو سال رشد بالایی را تجربه کند، با کم رشتی روبرو خواهد بود و بسیاری از ظرفیت های تولیدی، محقق نشده باقی خواهند ماند. این در حالی است که در صورت انجام اصلاحات و تنظیم فضای حمایت از تولید، نقطه عطفی در فرایند تولید رخ خواهد داد و با انتقال ایران به منحنی تولید بالاتر، ظرفیت های

نمودار ۳. فرایند تولید و بسسترهای پشتیبان

کارکردهای پشتیبان زنجیره ارزش: هماهنگی، اطلاعات، تحقیق و توسعه و زیرساخت



کارکردهای فضای کسب و کار: قوانین و مقررات، استانداردها، هنجارها و قواعد غیررسمی

مأخذ: علی ربیعی و عیسی منصور، کتاب توسعه اشتغال پایدار - جلد اول: توسعه کسب و کار برای اشتغال پایدار، ۱۳۹۶

1. Low Income Trap
2. Middle Income Trap
3. Productive Knowledge.

۴. رشد تولید به معنای تداوم افزایش تولید در میان مدت است، در حالی که رونق تولید به افزایش کوتاه مدت تولید اشاره دارد.



هزینه‌های تولید که خود تابعی از میزان در دسترس بودن منابع و عوامل تولید و نیز دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات اساسی است. در این چارچوب می‌توان رشد تولید را تابعی از فضای بین‌المللی تولید، فضای ملی و فضای بخشی تولید در نظر گرفت. به عبارت دیگر، فرایند تولید به اقدامات پیشین و پسین، هم در سطح بنگاه و هم در سطوح بخشی، ملی و بین‌المللی نیاز دارد و به‌جای نگاه جزیره‌ای و مقطعی به تولید، باید نگاهی همه‌جانبه را جایگزین کرد. برای عطف توجه به این مهم می‌توان به نیازمندی‌ها و ملاحظات در سه سطح اشاره کرد:

- **سطح بین‌المللی** که با تجارت بین‌الملل مشخص می‌شود (از جمله دسترسی به بازارهای بین‌المللی که سیاست‌های دولت در آن در قالب دیپلماسی اقتصادی متجلی می‌شود).
- **سطح ملی** که فضای اقتصاد کلان را می‌سازد (از جمله دستیابی به محیط کسب و کار مساعد تولید و سرمایه‌گذاری و نیز حکمرانی باکیفیت که شالوده این حوزه را تشکیل می‌دهد).
- **سطح بخشی** (که سیاست‌های صنعتی شامل سیاست‌های زیرساختی، اعتباری، تجاری، آموزشی و فناوری را در بر می‌گیرد). در نمودار ۴ سطوح مذکور و ارتباط آنها با یکدیگر ارائه شده است.

باید توجه داشت که اقتصادهای منبع‌محوری مانند اقتصاد ایران، همواره با این خطر عمده روبرو هستند که در نتیجه شوک‌های بیرونی و تغییرات مقطعی قیمت مواد معدنی و سایر منابع طبیعی یا افزایش تقاضای آن، رشدهای مقطعی و کم‌توانی را تجربه کنند که به‌صورت کوتاه‌مدت رشد ایجاد می‌کند، اما در میان‌مدت و بلندمدت قابلیت استمرار یا افزایش قابلیت‌های تولیدی را ندارد. بنابراین رشد تولید هنگامی قابل تحقق است که سیاست‌های دولت بتواند گذار اقتصاد از تولیدات منبع‌محور به تولیدات ساخت‌محور را تشویق کند و فراتر از کمیت تولید، کیفیت آن را نیز افزایش دهد. همان‌طور که نظریات توسعه صنعتی نشان می‌دهد کشورها در مسیر رشد اقتصادی با سه مرحله تولید منبع‌محور، تولید کارایی محور و تولید دانش‌بنیان روبرو هستند. در این چارچوب گذار از تولیدات منبع‌محور به ساخت‌محور لازم‌ه تداوم رشد تولید است. در چارچوب ملاحظات پیش‌گفته، یکی از الزامات اساسی گذار از اقتصاد منبع‌محور، افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری است؛ اما افزایش سرمایه‌گذاری زمانی تحقق می‌یابد که چشم‌انداز سودآوری تولید در بازارها بهبود یابد. این چشم‌انداز سودآوری بیش از هر چیز تابع سه عنصر است، دامنه و گستره بازارهای در دسترس و سهم از آن، اندک بودن نااطمینانی‌ها و مخاطرات فعالیت اقتصادی و رقابتی بودن

نمودار ۴. فضای حمایت از تولید در سطوح مختلف

<p>سطح بین‌المللی (دیپلماسی اقتصادی)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • تسهیل تجارت بین‌الملل برای دسترسی به بازارهای بین‌المللی • تسهیل انتقال و ارتقاء فناوری • جذب سرمایه‌گذاری خارجی
<p>سطح ملی (اقتصاد کلان)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • کیفیت حکمرانی و تضمین حقوق مالکیت • بهبود محیط کسب و کار
<p>سطح بخشی (سیاست‌های هدفگذاری شده برای رشد تولید و ارتقای رقابت‌پذیری فعالیت‌های تولیدی)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • آموزش نیروی کار، فناوری، پایداری زیست‌محیطی • تجهیز زیرساخت‌ها، بهبود ساختارهای صنعت، تأمین انرژی و مواد اولیه

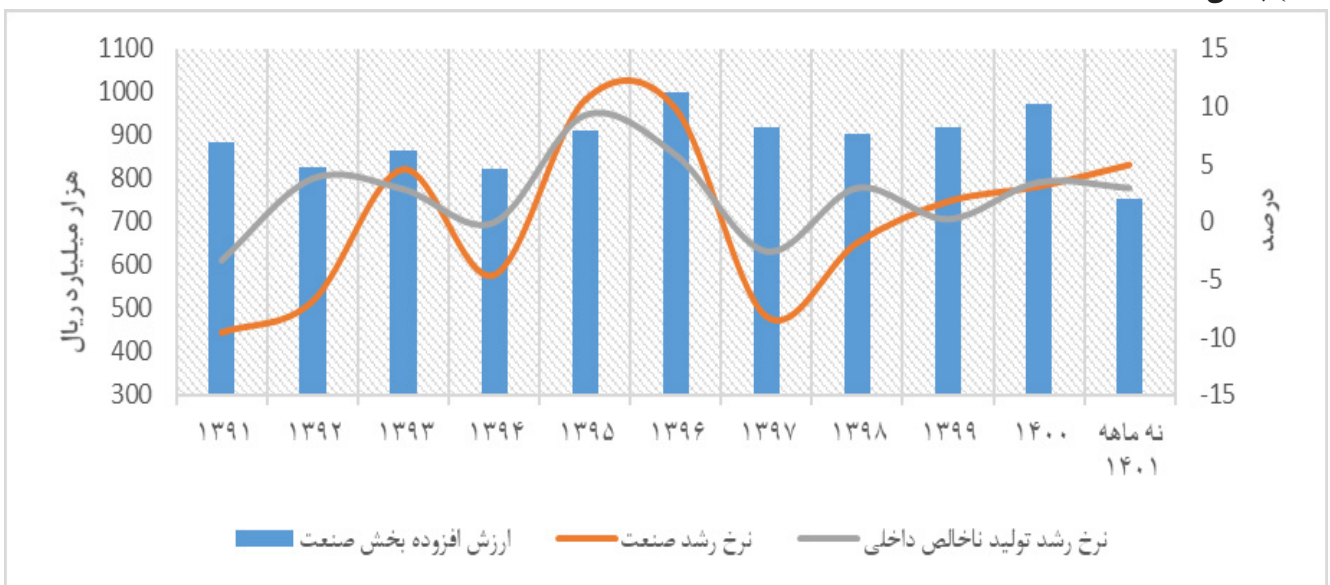
مأخذ: یافته‌های گزارش

۲. تبیین وضع موجود

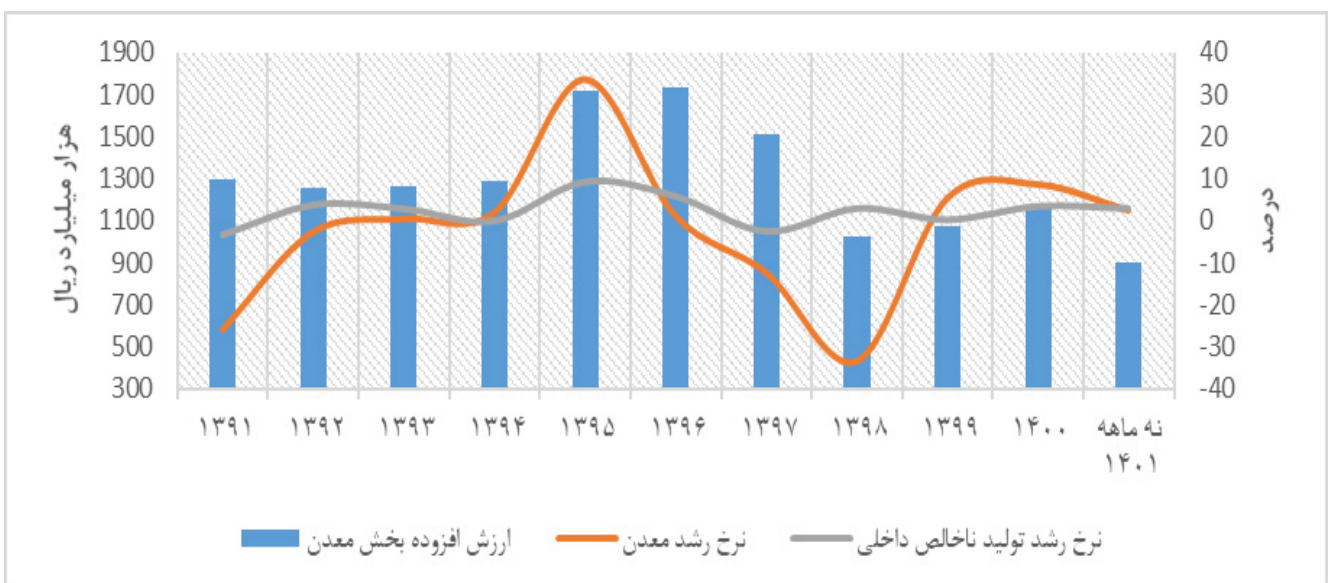
اقتصاد ایران تحت تأثیر شرایط خاص بین‌المللی، ناترازی‌های نظام بانکی و بودجه در حوزه اقتصاد و ظهور ناترازی در بخش واقعی از جمله ناترازی آب و انرژی، دچار چالش‌های جدی شده است. براین چالش‌های موجود منجر به بی‌ثباتی شرایط کلان اقتصادی کشور و در نتیجه رشد اقتصادی کمتر می‌شود. در نمودار ۵ روند تغییرات ارزش افزوده و نرخ رشد اقتصادی بخش صنعت و معدن به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ ارائه شده است.

نمودار ۵. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، ارزش افزوده و نرخ رشد بخش صنعت (ساخت) و معدن به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ طی سال‌های ۱۳۹۱-۹ ماهه ۱۴۰۱

الف) بخش صنعت (ساخت)



ب) بخش معدن



مأخذ: آمار حساب‌های ملی، مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰.



بین‌المللی کشور و البته ضعف‌های مدیریتی به‌ویژه در مدیریت منابع ارزی مجدداً اقتصاد کشور با رشد منفی مواجه شد. در این سال بخش صنعت (ساخت) و معدن نیز به‌عنوان یکی از زیربخش‌های مهم اقتصادی در ایجاد ارزش افزوده در پی مواجهه با چالش‌های متفاوتی از جمله سخت‌تر شدن تأمین مواد اولیه و واسطه، مشکلات مبادلات پولی، دخالت دولت در بازار و قیمت‌گذاری دستوری رشد منفی داشت، اما از سال ۱۳۹۸ تاکنون با اعمال سیاست‌های حمایتی دولت از بخش تولید تقریباً روند رو به بهبودی ایجاد شده است.

یکی از متغیرهایی که در ایجاد ظرفیت‌های جدید و در نتیجه رشد تولید دخیل است، تشکیل سرمایه ثابت است که در نمودار ۶، روند تغییرات تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد ایران به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۹ ماهه سال ۱۴۰۱ ارائه شده است. همان‌طور که در نمودار ۶، مشخص است متوسط رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی دهه اخیر نزولی بوده که بیانگر کاهش ایجاد ظرفیت‌های جدید در اقتصاد کشور است.

آمار نمودار ۵ نشان می‌دهد که رشد اقتصادی کشور طی ۱۰ سال اخیر نوسانی بوده و از یک روند پایدار پیروی نکرده است. این در حالی است که سند چشم‌انداز بیست ساله کشور در افق سال ۱۴۰۴ در خصوص شاخص رشد اقتصادی، داشتن ویژگی «شتابان و مستمر بودن» آن را مورد تأکید قرار داده است. مطابق آمار نمودار ۵، متوسط رشد اقتصادی تولید ناخالص داخلی کشور در طول ۱۰ سال گذشته حدود ۲/۲ درصد، رشد بخش صنعت ساخت حدود ۰/۳ درصد و بخش معدن ۲/۰۴- درصد بوده است.^۱ در تحلیل این آمار باید اشاره کرد که از ابتدای دهه ۱۳۹۰ به دلیل پدیدار شدن آثار اجرای مرحله اول قانون هدفمندی یارانه‌ها و افزایش هزینه‌های تولید و شرایط خاص بین‌المللی و مشکلات ناشی از آن از جمله تأمین ارز واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز تولید، رشد تولید ناخالص داخلی و زیربخش‌های عمده آن از جمله بخش صنعت و معدن با رشد منفی مواجه شد، اما با بهبود شرایط اقتصادی به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۵ ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی و کل تولید با رشد مثبت همراه شد، لکن در سال ۱۳۹۷ با تغییر شرایط

نمودار ۶. تغییرات تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در اقتصاد ایران به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ طی سال‌های ۱۳۹۰-۹ ماهه سال ۱۴۰۱



مأخذ: آمار حساب‌های ملی، مرکز آمار ایران.

۱. متوسط رشد منفی بخش معدن عمدتاً مربوط به کاهش نرخ رشد ارزش افزوده این بخش در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ ناشی از سیاست‌های دولت، شرایط خاص بین‌المللی و محدودیت در تأمین ماشین‌آلات و نهاده‌های مرتبط بوده است.

از فعالیت‌های مولد شد و نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منفی شد.

در مجموع بررسی وضع موجود تولید در کشور نشان می‌دهد رشد تولید در طول دهه گذشته مستمر و پایدار نبوده و با اهداف تعیین شده برای آن (به‌عنوان مثال نرخ رشد سالیانه ۸ درصد در برنامه ششم توسعه) فاصله زیادی دارد. در ادامه برخی از چالش‌ها و سازوکارهای تحقق هدف رشد تولید بررسی شده است.

مطابق آمار نمودار ۶، متوسط روند تشکیل سرمایه ثابت در ماشین‌آلات و ساختمان از سال ۱۳۹۰ به این سو کاهش یافته، به‌گونه‌ای که نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۵ درصد بوده است، در سال ۱۴۰۰ به حدود ۱۳ درصد رسیده است. طی دهه گذشته افزایش نااطمینانی و تشدید هزینه‌های تولید و مبادله موجبات کاهش تولید و خروج قابل توجهی از سرمایه‌های کشور

۳. بررسی سازوکارهای تحقق هدف رشد تولید در سال ۱۴۰۲

تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورهای به‌ویژه با کشورهای منطقه و تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر مورد تأکید بوده است. در همین راستا در برنامه ششم توسعه کشور مقرر شد صادرات غیرنفتی کالا و خدمات (بدون میعانات گازی) با رشد سالیانه ۲۱/۷ درصد از ۴۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ به ۱۱۲/۷ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰ افزایش یابد. لازمه تحقق چنین اهدافی تولید محصولات با ارزش افزوده بالا و فروش آنها در بازارهای داخلی و خارجی از طریق بهبود محیط کسب و کار و تقویت توان رقابت‌پذیری تولیدات داخلی ایران است. این در حالی است که میزان صادرات کشور در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۸/۶ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال ۱۳۹۵ فقط حدود ۱۶ درصد رشد داشته است. مقایسه شاخص‌های جهانی صادرات ایران و کشورهای رقیب همسایه نیز حاکی از سهم کم ایران در عرصه رقابت‌پذیری تولیدات کشور است. در نمودار ۷، سهم ایران و برخی از کشورهای همسایه از صادرات جهانی در سال ۱۴۰۰ ارائه شده است.

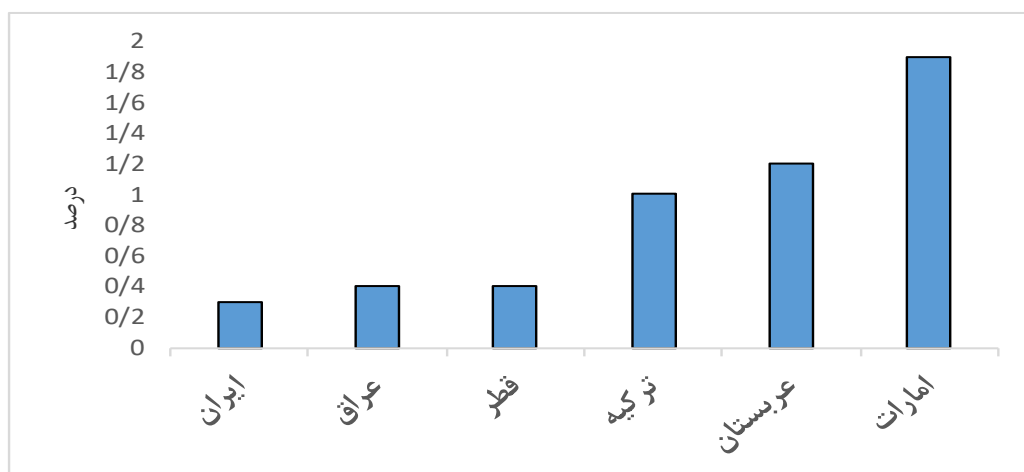
۳-۱. دیپلماسی اقتصادی زمینه‌ساز رشد تولید در سطح بین‌المللی

رشد تولید ماحصل تدوین سیاست‌های صنعتی، تجاری و مالی صحیح و کارکرد برنامه‌های منسجم متناسب با سیاست‌های پیش‌گفته است. یکی از ابزارهای مهم در سطح بین‌المللی که می‌تواند در خدمت سیاست‌های کلان کشور جهت پیشبرد هدف رشد تولید باشد، دیپلماسی اقتصادی است. بررسی جایگاه ایران در تجارت جهانی، رقابت‌پذیری صنعتی محصولات تولیدی و تنوع بازارهای صادراتی از جمله شاخص‌هایی هستند که در شفاف‌سازی ضرورت توجه بیشتر به مقوله دیپلماسی اقتصادی می‌تواند مؤثر باشد که در ادامه بررسی می‌شوند.

■ جایگاه ایران در تجارت جهانی

بررسی اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، حاکی از آن است که همواره تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، برنامه‌ریزی

نمودار ۷. سهم ایران و برخی از کشورهای همسایه از صادرات جهانی در سال ۱۴۰۰



مأخذ: سازمان تجارت جهانی (WTO).

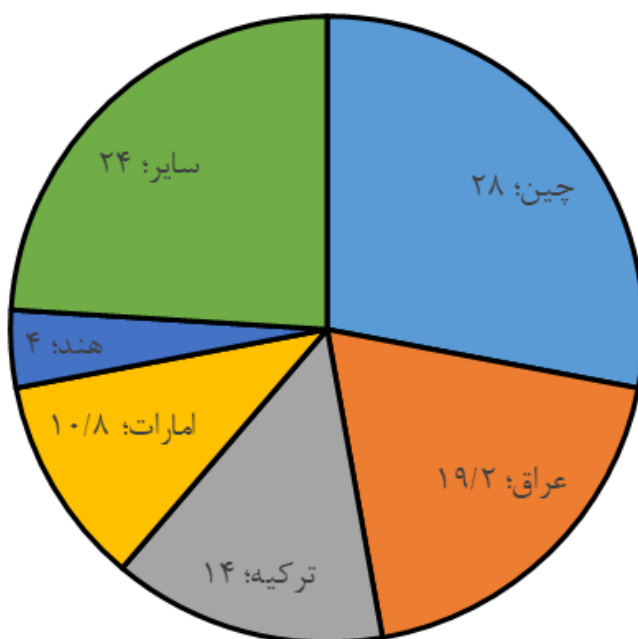


■ تنوع بازارهای صادراتی

در ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱ میزان صادرات غیرنفتی کشور حدود ۴۸/۸ میلیارد دلار بوده که بیشترین حجم صادرات به کشور چین با سهم ۲۸ درصد انجام شده است. عمده مقاصد صادراتی کشور در سال ۱۴۰۱ پس از چین، به ترتیب عراق با سهم ۱۹/۲ درصد، ترکیه با سهم ۱۴ درصد، امارات ۱۰/۸ درصد و کشور هند حدود ۴ درصد بوده است. همان طور که از آمار ارائه شده در نمودار ۸ مشخص است بیش از ۷۵ درصد از صادرات کشور محدود به ۵ کشور جهان است.

همان طور که از آمار نمودار ۷ مشخص است در سال ۱۴۰۰ سهم ایران از صادرات جهانی حدود ۰/۳ درصد در مقایسه با سهم کشور ترکیه حدود یک درصد، عربستان حدود ۱/۲ درصد و امارات ۱/۹ درصد، مقدار کمی است.^۱ علاوه بر سهم کم از تجارت جهانی، تنوع مقاصد صادراتی ایران نیز محدود است به طوری که شاخص تمرکز صادراتی ایران حدود ۰/۱۳ است، در حالی که شاخص تمرکز صادراتی کشور ترکیه حدود ۰/۰۳ است. به منظور تحلیل بیشتر در ادامه تنوع مقاصد صادراتی کشور در سال ۱۴۰۱ ارائه شده است.

نمودار ۸. سهم مقاصد صادراتی عمده کشور از صادرات غیرنفتی در ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱ (درصد)



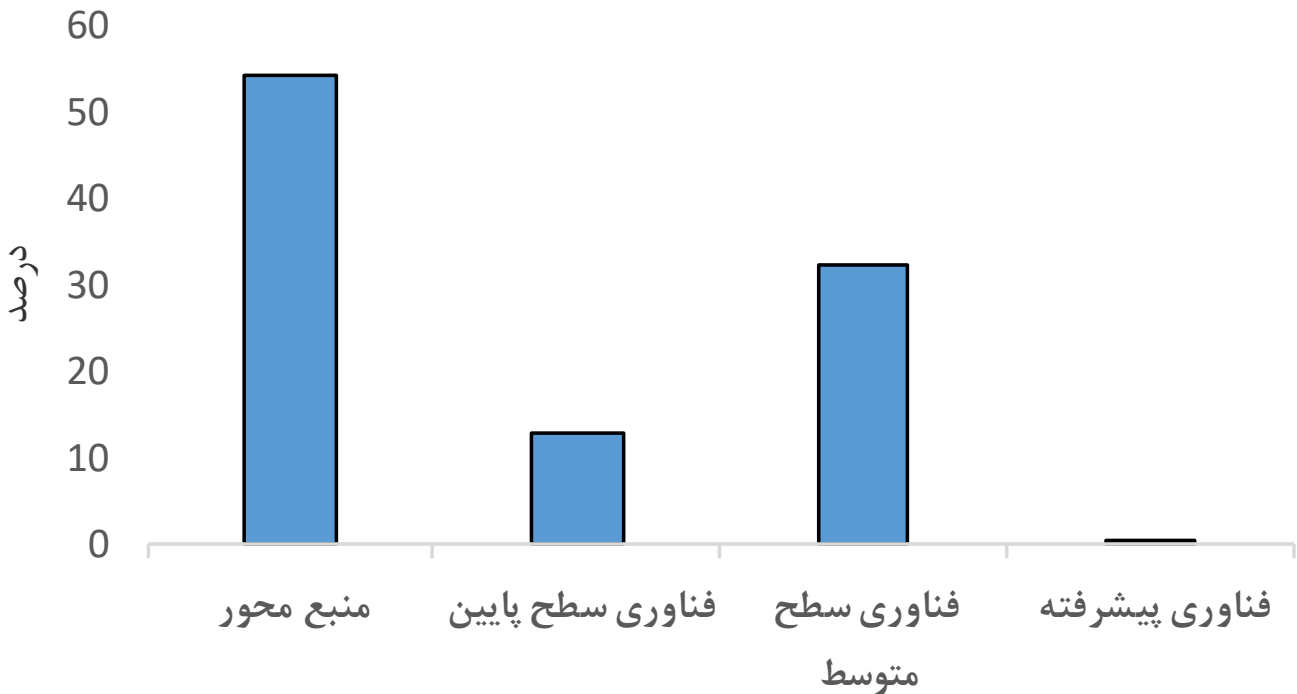
مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران.

■ رقابت پذیری صنعتی

در نمودار ۹ براساس آخرین گزارش یونیدو وضعیت صادرات محصولات صنایع کارخانه‌ای ایران در سال ۲۰۲۰ میلادی براساس سطح فناوری نشان داده شده است.

۱. لازم به توضیح است که آمار نمودار ۷ از یکسو جایگاه ایران در صادرات جهانی به عنوان کشوری که نفت نیز جز اقلام صادراتی آن است در مقایسه با برخی از کشورهای مشابه مانند عربستان را نشان می‌دهد و همچنین سهم ایران در صادرات جهانی در مقایسه با کشوری همچون ترکیه که عمده صادرات آن صادرات غیرنفتی است را مشخص می‌کند.

نمودار ۹. سطح فناوری صادرات محصولات صنعتی ایران در سال ۲۰۲۰ میلادی



Source: UNIDO, Competitive Industrial Performance Index 2022

همان‌طور که از آمار نمودار ۹ مشخص است یکی از مشکلات بخش تولید و در نتیجه رقابت‌پذیری محصولات در ایران سهم پایین تولیدات از فناوری است. در سال ۲۰۲۰ میلادی ۵۴/۱ درصد از محصولات صنعتی کشور منبع‌محور بودند. ۳۲/۵ درصد محصولات از فناوری سطح متوسط، ۱۲/۹ درصد از فناوری پایین و فقط ۰/۵ درصد از محصولات از فناوری پیشرفته برخوردار بودند.

۲-۳. بسترسازی مناسب در سطح ملی با هدف رشد تولید

یکی از الزامات رشد تولید، افزایش سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی در بخش واقعی اقتصاد است. فضای مساعد کسب و کار و ارتقای کیفیت حکمرانی از راهبردهای رشد و توسعه فعالیت اقتصادی در هر کشور است که فرصت‌ها و انگیزه‌های بنگاه‌ها را برای سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و توسعه کسب و کارها شکل می‌دهد. به همین منظور در ادامه وضعیت مؤلفه‌های پیش‌گفته بررسی می‌شود.

■ پایش محیط کسب و کار

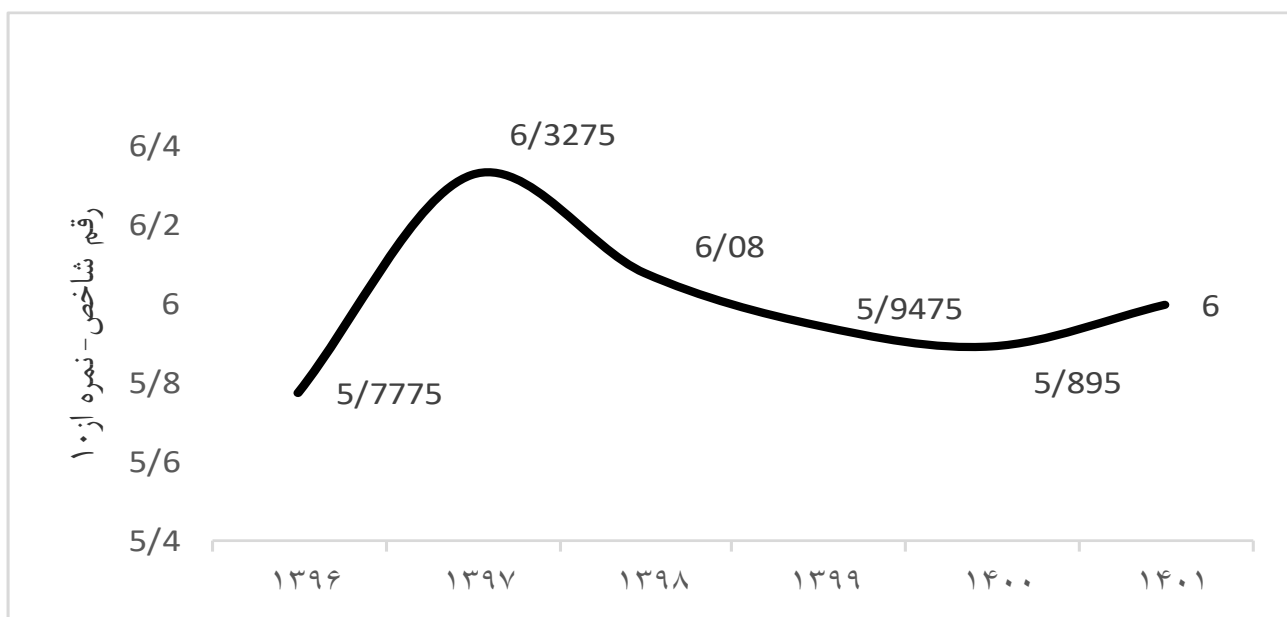
در نمودار ۱۰ مقدار متوسط سالیانه شاخص محیط کسب و کار که براساس پایش ملی محیط کسب و کار به صورت فصلی محاسبه شده، ارائه شده است.

موضوع مهم دیگری که پس از تحریم‌های ظالمانه علیه کشور نمود بیشتری پیدا کرد، وابستگی بخش واقعی اقتصاد به واردات و به تبع آن محدودیت‌های تأمین منابع ارزی مورد نیاز و مبادلات پولی بود. از این رو ایجاد بسترها و شرایط سیاسی لازم برای تنوع‌بخشی و تقویت پیوندهای همه‌جانبه با کشورهای هدف در جهان به‌ویژه کشورهای منطقه، همسایگان و قدرت‌های نوظهور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام، با تمرکز بر ورود به بازارهای جهانی برای صادرات کالا و خدمات، تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دستیابی به فناوری‌های نوین از الزامات رشد تولید است. دیپلماسی اقتصادی در تسهیل زمینه‌های لازم به‌منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی و رشد تولید، انتقال فناوری برای

۱. طی سال‌های اخیر به‌طور متوسط بیش از ۶۰ درصد از صادرات صنعتی ایران را فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز و محصولات شیمیایی، کانی‌های فلزی و غیرفلزی و مصنوعات آنها به‌خود اختصاص داده است.



نمودار ۱۰. متوسط سالیانه شاخص محیط کسب و کار طی سال‌های ۱۳۹۶ الی ۹ ماهه سال ۱۴۰۱



مأخذ: پایش ملی محیط کسب و کار ایران، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۱.
توضیح: بدترین نمره ارزیابی شاخص محیط کسب و کار ۱۰ است.

مطابق نمودار ۱۰ روند تغییرات شاخص محیط کسب و کار در ایران پس از سال ۱۳۹۷ هر چند به صورت جزئی روند رو به بهبودی را طی کرده است، اما در ۹ ماهه سال ۱۴۰۱ افزایش مقدار شاخص گویای نامساعدتر شدن محیط کسب و کار نسبت به سال گذشته است. در جدول ۱، مهم‌ترین موانع کسب و کار بیان شده توسط فعالان اقتصادی هریک از سه بخش عمده اقتصادی در سال ۱۴۰۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مهم‌ترین موانع کسب و کار در سال ۱۴۰۱

۳	۲	۱	اولویت	
			مجموعه	کل
دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	تابستان ۱۴۰۱	کل
بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	پاییز ۱۴۰۱	

مأخذ: پایش ملی محیط کسب و کار ایران، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، پاییز ۱۴۰۱.

موارد مذکور، موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاه‌های اجرایی، فساد و سوءاستفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه‌های اجرایی، رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات، دخالت‌های غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت‌ها در بازار، تولید و عرضه نسبتاً آزاد کالاهای غیراستاندارد و تقلبی

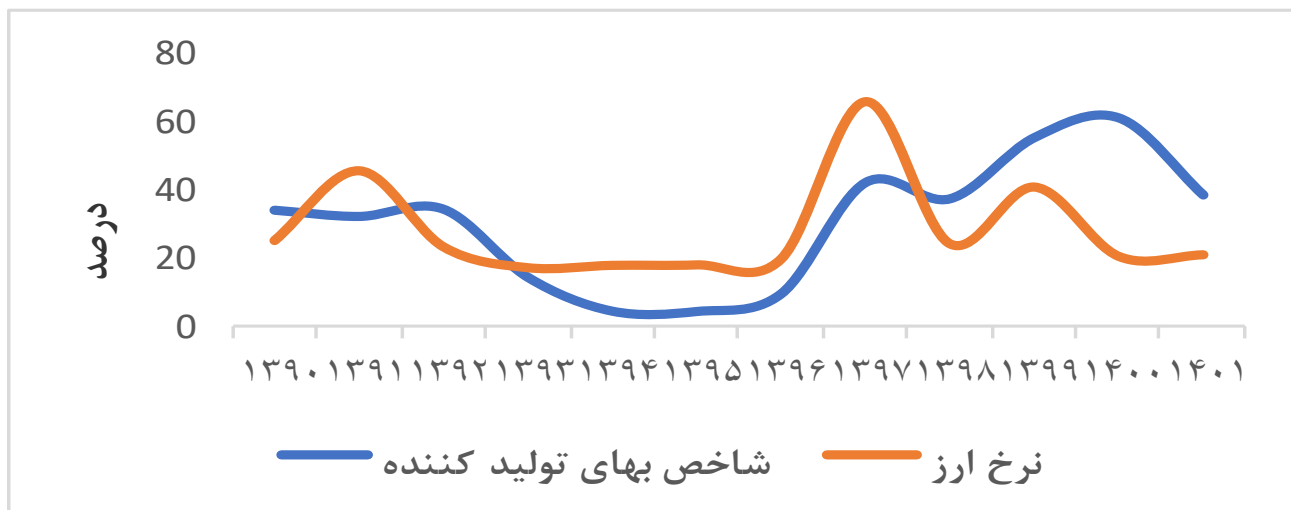
براساس اطلاعات جدول ۱ مؤلفه‌های غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار و دشواری تأمین مالی از مهم‌ترین مشکلات کسب و کارها توسط فعالان اقتصادی بیان شده‌اند. شایان ذکر است براساس پایش صورت گرفته در سال ۱۴۰۱ پس از

واسطه‌ای و سرمایه‌ای، بخش تولید کشور را بیش از حد وابسته به خارج کرده است. این وابستگی معلول عوامل مختلفی از جمله سیاست‌های حمایتی غیرهدفمند ناشی از فقدان استراتژی توسعه صنعتی و کاهش انگیزه توسعه فناوری و نوآوری، نقایص نظام ارزشگذاری پول ملی و آثار آن بر انگیزه واردات و در نتیجه نقش ضعیف کالاهای نهایی در تحریک بازار محصولات واسطه‌ای، شکل نگرفتن شبکه‌ها و زنجیره‌های افقی و عمودی و البته نقایص رقابت در ساختار صنعت است. وابستگی زیاد تولید به واردات می‌تواند در کمیت و کیفیت تولیدات داخل و در نتیجه کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولیدی کشور اثرگذار باشد. در نمودار ۱۱ روند تغییرات سالیانه نرخ ارز و شاخص بهای تولیدکننده طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۱ ارائه شده است.

در بازار، برداشت‌های سلیقه‌ای از قوانین و مقررات توسط مأموران دولتی، رویه‌های سختگیرانه اداره‌های کار و بیمه تأمین اجتماعی برای مدیریت نیروی انسانی، وجود انحصار، امتیاز یا هر نوع رانت به یک یا تعدادی از رقبا در بازار، وجود رقابت غیرمنصفانه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا شبه‌دولتی در بازار و فقدان یا شفاف نبودن آمار و اطلاعات مورد نیاز برای فعالیت اقتصادی به ترتیب در نامساعد شدن محیط کسب‌وکار تأثیر بیشتری داشتند. در ادامه به صورت اجمالی در خصوص سه مانع پیش‌گفته که در نامساعد شدن محیط کسب‌وکار بیشترین تأثیر را داشته‌اند توضیحاتی ارائه شده است.

الف) غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات
سه‌م بیش از ۸۰ درصدی انواع واردات از جمله واردات کالاهای

نمودار ۱۱. تغییرات سالیانه نرخ ارز و شاخص بهای تولیدکننده طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۱



مأخذ: آمار اقتصادی بانک مرکزی.

مشکل کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز واحدهای تولیدی می‌شود. عمده تأمین مالی در اقتصاد ایران از طریق نظام بانکی صورت می‌گیرد به نحوی که سهم تأمین مالی بخش صنعت و معدن از طریق نظام بانکی حدود ۸۰ درصد است. در جدول ۲ سهم تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش‌های اقتصادی و عمده‌ترین هدف از دریافت آن طی ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱ ارائه شده است.

همان‌طور که از آمار نمودار ۱۱ مشخص است میان رشد نرخ ارز و تورم تولیدکننده همبستگی مثبت وجود دارد، لذا نوسانات شدید نرخ ارز موجب بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه و محصولات و نامساعد شدن محیط کسب‌وکار و افزایش نااطمینانی می‌شود.

ب) دشواری تأمین مالی
شرایط تورمی موجود و ضرورت خریدهای نقدی، موجب تشدید



جدول ۲. تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش‌های اقتصادی و عمده‌ترین هدف از دریافت طی ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱ (هزار میلیارد ریال - درصد)

صاحبان کسب‌وکار حقوقی و غیر حقوقی														
هدف از دریافت تسهیلات	کشاورزی		صنعت و معدن		مسکن و ساختمان		بازرگانی		خدمات		متفرقه		کل بخش‌ها	
	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ
ایجاد	۱۹/۸	۴۹۵	۱۶/۴	۱,۷۸۸	۴۷/۵	۱,۰۲۵	۳/۹	۱۱۴	۱۵/۴	۱۸۵۹	۳۲/۵	۳	۱۷/۳	۵,۲۸۴
تأمین سرمایه در گردش	۷۱/۸	۱۷۹۱	۷۸/۲	۸,۵۳۵	۴۴/۷	۹۶۴	۸۷/۲	۲,۵۴۷	۷۵/۴	۹,۱۱۲	۶۵/۲	۷	۷۵	۲۲,۹۵۶
توسعه	۵/۵	۱۳۸	۴/۶	۵۰۶	۲/۹	۶۲	۶/۵	۱۹۱	۶/۰	۷۳۰	۲/۰	۰.۲	۵/۳	۱,۶۲۷
سایر	-	۷۱	-	۹۱	-	۱۰۷	-	۶۸	-	۳۹۱	-	۰.۰۳۴	-	۷۲۸
جمع	۸/۲	۲,۴۹۵	۳۵/۷	۱۰,۹۲۰	۷/۱	۲,۱۵۸	۹/۵	۲,۹۲۰	۳۹/۵	۱۲,۰۹۲	۰/۰	۱۰,۲۳	۸۳/۴	۳۰,۵۹۵

مأخذ: بانک مرکزی.

که این رقم در بخش صنعت و معدن بیش از ۷۸ درصد است و فقط حدود ۲۲ درصد تسهیلات بابت ایجاد واحد جدید و یا توسعه واحد موجود پرداخت شده است. به عبارتی تسهیلات بانکی بیشتر در حفظ وضع موجود مؤثر بوده و لازم است با استفاده از ظرفیت سایر نهادهای مالی از جمله بازار سرمایه و تنوع بخشی به ابزارها و روش‌های تأمین مالی زمینه برای تقویت تأمین مالی بخش صنعت و معدن و سایر بخش‌های تولیدی بهره مناسب برده شود. آمار جدول ۳ اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد.

تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱ مبلغ ۳۶۶۹۳/۹ هزار میلیارد ریال^۱ بوده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ ۱۰۱۳۲/۸ هزار میلیارد ریال (معادل ۳۸/۱ درصد) افزایش داشته است. همان‌طور که از آمار جدول ۲ مشخص است بیشترین تسهیلات به ترتیب به بخش خدمات و صنعت و معدن اختصاص یافته است. نکته حایز اهمیت در خصوص ترکیب تسهیلات پرداختی است که به‌طور متوسط حدود ۷۵ درصد تسهیلات پرداختی با هدف تأمین سرمایه در گردش دریافت شده

جدول ۳. سهم منابع تأمین مالی بخش صنعت و معدن (درصد)

نظام بانکی	بازار سرمایه	اعتبارات عمرانی	سرمایه‌گذاری خارجی
۷۸	۱۸	۳	۱

مأخذ: بررسی وضعیت تأمین مالی بخش صنعت و معدن با تأکید بر نقش بازار سرمایه، چالش‌ها و پیشنهاد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۴۰۰.

همان‌طور که از آمار جدول ۳ مشخص است سهم غالب تأمین مالی در بخش صنعت و معدن به نظام بانکی کشور اختصاص دارد که لازم است با سازوکارهای مناسب، منابع تأمین مالی بخش صنعت متنوع‌تر شود و اقدامات لازم در خصوص ترویج روش‌ها و ابزارهای تأمین مالی متناسب با هر فعالیت تولیدی صورت گیرد.

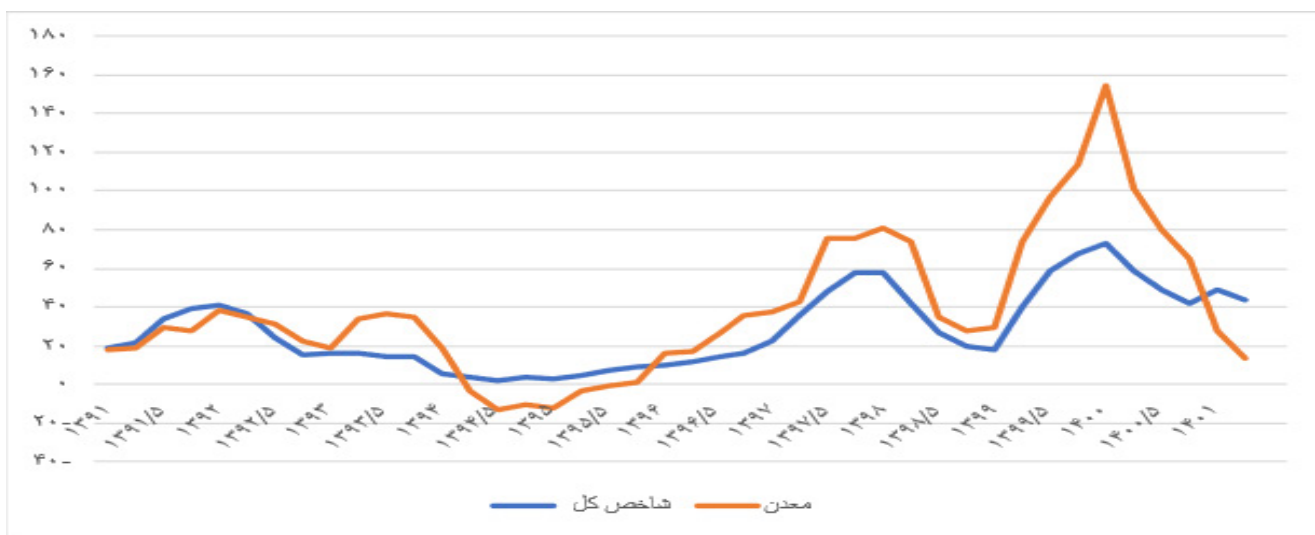
۱. کل تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱ مبلغ ۳۶۶۹۳/۹ هزار میلیارد ریال است که مبلغ ۳۰۵۹۵ هزار میلیارد ریال (معادل ۸۲/۴ درصد) به بخش‌های اقتصادی و مابقی به خانوارها تعلق گرفته است.

دستگاه انواع ماشین‌آلات معدنی با عمر متوسط ۲۰ سال در کشور در حال فعالیت هستند. با بالاتر رفتن عمر ماشین‌آلات، مصرف سوخت، هزینه‌های نگهداری و تهیه قطعات یدکی افزایش و ضمن افت بازده تولید، هزینه‌های تولید را بالا می‌برد. عدم تأمین کافی ماشین‌آلات مورد نیاز این صنعت طی سال‌های اخیر، سبب افزایش قیمت و افزایش هزینه‌های تولید در این صنعت شد. در نمودار ۱۲ با مقایسه تورم نقطه‌به‌نقطه تولیدکننده در بخش معدن و شاخص کل (که بیشتر متأثر از قیمت خرید یا اجاره ماشین‌آلات معدنی و بخشی هم به دلیل افزایش قیمت مواد ناریه است) در انتهای سال ۱۳۹۸ و ابتدای سال ۱۳۹۹ که کمبود ماشین‌آلات معدنی بروز جدی داشت، به ناگهان رشد قابل توجهی را تجربه کرد.

ج) بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار

تغییرات مکرر سیاست‌ها و قوانین، افزایش ناطمینانی و افزایش هزینه‌های تولید را به همراه دارد. بخشنامه‌های متعدد در خصوص موضوع نرخ ارز، تغییرات حقوق ورودی در خصوص ماشین‌آلات، تجهیزات و مواد واسطه‌ای در قوانین مختلف از جمله مصادیق بی‌ثباتی در بستر قوانین و مقررات است. برای نمونه ماشین‌آلات معدنی بخش مهمی از فرایند استخراج روباز (که مهم‌ترین روش استخراج معادن است) را تشکیل می‌دهد. براساس بررسی‌های انجام شده بیش از ۷۰ درصد از هزینه‌های استخراج روباز مربوط به هزینه‌های تأمین، تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات معدنی است. براساس آمار وزارت صنعت، معدن و تجارت، بیش از ۳۷ هزار

نمودار ۱۲. مقایسه تورم نقطه‌به‌نقطه تولیدکننده در بخش معدن و شاخص کل



مأخذ: مرکز آمار ایران.

■ کیفیت حکمرانی و حقوق مالکیت

کیفیت حکمرانی و پایبندی به اجرای اصل تفکیک کارکردهای حکمرانی، کاهش تصدیگری دولت و تقویت کارکرد تنظیم‌گری، از جمله موضوعاتی است که می‌تواند هزینه‌های مبادله در اقتصاد را کاهش و زمینه را برای حضور قوی‌تر بخش خصوصی و مشارکت بیشتر مردم در اقتصاد فراهم سازد. کیفیت حکمرانی بر کیفیت فضای کسب‌وکار نیز اثر می‌گذارد.

در زمینه تفاوت سطوح رفاه اقتصادی و اجتماعی کشورها، دلایل متفاوتی قابل طرح و بررسی است، اما یکی از بنیادی‌ترین این دلایل، برقراری امنیت حقوق مالکیت، تضمین و اجرای آن در هر کشوری است. نهاد حقوق مالکیت، قوانین و مقررات حاکم در

یک جامعه است که از حقوق شهروندان در برابر قدرت دولت و طبقه قدرتمند جامعه حفاظت و حمایت می‌کند. حقوق مالکیت ابزار یک جامعه است و اهمیتش را از این حقیقت می‌گیرد که به فرد کمک می‌کند تا منطقاً انتظاراتی که می‌تواند در ارتباطش با دیگران داشته باشد، شکل دهد. به عبارت دیگر حقوق مالکیت حقوقی است که افراد نسبت به نیروی کار خود و کالاها و خدماتی که در اختیار دارند، کسب می‌کنند.

عدم تعریف و تضمین درست حقوق مالکیت را می‌توان موجب وقوع سه پیامد منفی برای اقتصادهای در حال توسعه دانست که به ترتیب عبارتند از:^۱

گسترش بخش غیررسمی: از مهم‌ترین آثار عدم تعریف

۱. بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور ۱۳. ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ از منظر سطح توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۷۳۰۲، سال ۱۴۰۰



به مقیاس کوچک فعالیت دامن می‌زند. در شرایط نااطمینانی‌های شدید، مقیاس سرمایه‌گذاری‌ها کاهش یافته و فعالیت‌های صنعتی کوچک‌مقیاس به جای فعالیت‌های بزرگ مقیاس مورد توجه قرار می‌گیرند.

رجحان فعالیت سوداگرانه و دلالی: سومین نتیجه نامنی حقوق مالکیت، برتری یافتن فعالیت‌های سوداگری نسبت به فعالیت‌های مولد است. به عبارت دیگر فعالیت‌های سوداگری که در شرایط بی‌ثبات در کوتاه‌مدت سودآوری بالایی دارند، جایگزین سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و صنعتی می‌شوند. به‌منظور بررسی وضعیت ایران در شاخص حقوق مالکیت، در جدول ۳ رتبه ایران و برخی از کشورهای منطقه در سال ۱۴۰۰ مقایسه شده است.

و تضمین صحیح حقوق مالکیت، گسترش بخش غیررسمی در اقتصاد است. عدم اطمینان فعالان اقتصادی و عدم تضمین منافع آنها سبب می‌شود تا فعالیت‌های اقتصادی هرچه بیشتر به بخش غیررسمی که بر پایه روابط شخصی با طرف‌های مبادله استوار شده است انتقال داده شود. بالا بودن هزینه مبادله باعث می‌شود تا بنگاه‌های متوسط و بزرگ مقیاس توسط بخش خصوصی شکل نگیرند و سرمایه به سمت احداث واحدهای کوچک تولیدی برود.

کوچک شدن مقیاس فعالیت: ناتوانی در حفظ حقوق مالکیت یا نااطمینانی‌های فراوان در مورد آن و نیز بی‌ثباتی افق بلندمدت برای برنامه‌ریزی موجب می‌شود فعالان اقتصادی، فعالیت‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهند که نیاز به سرمایه اندک داشته و کمتر به سیاست‌های دولت وابسته باشد، که همین موضوع

جدول ۴. رتبه شاخص حقوق مالکیت ایران و برخی کشورهای همسایه در سال ۱۴۰۰

شرح	منطقه	جهان
ایران	۱۴	۱۱۳
امارات	۱	۲۲
عربستان	۵	۳۵
قطر	۳	۲۶
ترکیه	۱۹ ^(۱)	۸۱

Source: The International Property Rights Index, 2022

توضیح: در این رتبه‌بندی تعداد کشورهای جهان ۱۲۹ کشور است.

(۱). در این شاخص علاوه بر مقایسه جهانی، هر کشور در تقسیم‌بندی منطقه‌ای نیز با تعدادی کشور مقایسه شده است. کشور ایران در منطقه منا با ۱۵ کشور مقایسه شده است. کشور ترکیه در منطقه اروپای شرقی و مرکزی و آسیای مرکزی با مجموع ۲۵ کشور مقایسه شده است.

۱۳۸۰-۱۳۹۰ سهم این صنعت از ۱۴٪ به ۲۰٪ افزایش یافته بود. افول صنعتی تجربه شده در حالی است که در کشورهای موفق صنعتی نظیر کره جنوبی، صنعت از سهمی حداقل ۳۰ درصدی در تولید ملی برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین دلایل کم دستاورد بودن و افول توسعه صنعتی کشور را فقدان استراتژی توسعه صنعتی عنوان کرده‌اند. عدم تدوین استراتژی توسعه صنعتی موجب شده است تا سیاست‌های صنعتی اتخاذ شده از هماهنگی لازم برخوردار نبوده و تأثیر مشخصی در زمینه توسعه به همراه نداشته باشند. برای غلبه بر این وضعیت، در دو دهه گذشته در سه برنامه چهارم تا ششم توسعه، برنامه‌ها تدوین استراتژی توسعه صنعتی را توصیه کرده‌اند. با وجود این، علی‌رغم احکام برنامه، استراتژی تدوین نشده و فقدان آن، موجب شده تا این برنامه‌ها فاقد جهت‌گیری راهبردی و هماهنگ در میان مدت و بلندمدت باشند.

همان‌طور که از آمار جدول ۴ مشخص است وضعیت شاخص حقوق مالکیت در ایران مطلوب نیست و چنانچه هدف جلب اعتماد بخش خصوصی به کارآفرینی و هدایت آحاد جامعه به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد به‌منظور دستیابی به رشد مستمر تولید است، باید سازوکارهای لازم برای تقویت تضمین حقوق مالکیت از جمله تقویت نهادهای تنظیم قرارداد مدنظر قرار گیرد.

۳-۳. ملاحظات بخشی در راستای تحقق رشد تولید

در دو دهه گذشته، براساس گزارش‌های منتشر شده توسط مرکز ملی آمار ایران سهم بخش صنعت دچار افول شده است. به عبارت دیگر، علی‌رغم اقدامات متعدد برای دستیابی به توسعه صنعتی، سهم این بخش با کاهشی ۷ درصدی در فاصله ۱۳۹۰-۱۴۰۱، از ۲۰٪ به کمتر از ۱۳٪ کاهش یافته است. این در حالی که در فاصله

که هم به صورت روابط داده-ستانده بین بخش‌ها و هم روابط درون زنجیره ارزش محصولات نهایی قابل ترسیم است. براساس مطالعات انجام شده، در حال حاضر و در روش‌های نوین اولویت‌بندی در جهان، توجه به زنجیره ارزش محصولات نهایی بیش از تقسیم‌بندی رشته فعالیتی مورد توجه است. بر این اساس، چارچوب ۹ گانه بالا را می‌توان حول سه محصول اولویت‌دار محدود کرده و به آن سامان بخشید، این سه محصول عبارتند از «پوشاک»، «خودرو» و «لوازم خانگی». در تجربه تاریخی توسعه صنعتی در جهان، این سه محصول نهایی بیش از سایر محصولات مورد توجه بوده‌اند و از نظر پیوندهایی که برای سایر بخش‌ها ایجاد می‌کنند نقش استراتژیک‌تری را ایفا کرده‌اند. بنابراین، یک رویکرد به اولویت‌بندی می‌تواند این صنایع را دربر گیرد. صنایع نساجی و پوشاک، صنایعی کاربر و اشتغال‌زا هستند که با توجه به مزیت نیروی کار و نیز خرد بودن سرمایه‌های بخش خصوصی، رونق آن به معنای بهره‌گیری بهتر از موجودی سرمایه و نیروی انسانی است. در واقع در مرحله فعلی توسعه ایران و دستمزد دلاری اندک کارگران، توسعه زنجیره ارزش این محصول از اولویت بالایی برخوردار است. علاوه بر این، امکان تأمین بخشی از مواد اولیه این صنعت در کشور (پنبه و پلی‌استر)، ظرفیت‌های بالایی برای توسعه در اختیار این بخش قرار می‌دهد. فراتر از آن، توسعه این صنعت و صادراتی شدن محصولات آن براساس برآوردهای انجام شده می‌تواند تا ۵ برابر ارزش افزوده بیشتری نسبت به صادرات مواد خام مورد استفاده خود فراهم کند. علی‌رغم ظرفیت‌های این صنعت، میزان اشتغال این صنایع از ۳۰ درصد کل اشتغال صنعتی در دهه ۱۳۵۰ به حدود ۵ درصد در سال‌های اخیر رسیده است که این صنایع را نیازمند توجه ویژه می‌سازد.

صنایع خودروسازی، دیگر محصول استراتژیک در تاریخ توسعه صنعتی در جهان را تشکیل می‌دهد که به دلیل ارتباط با بیش از ۶۰ صنعت دیگر (لکوموتیو صنایع) به این محصول ویژگی‌های استراتژیک می‌بخشد.^۱ صنعت خودرو در ایران، با توجه به حمایت‌های صورت گرفته در چند دهه گذشته اکنون از ظرفیت بالایی برخوردار است که طی آن دو خودروساز اصلی کشور، بیش از یک میلیون ظرفیت تولید سالیانه داشته و با سرمایه‌گذاری مناسب می‌توانند به ظرفیت‌های لازم برای فعالیت در عرصه منطقه‌ای دست یابند. تیراژ بالا و روابط قطعه‌سازی گسترده از جمله مزیت‌های زنجیره ارزش این محصول است، همچنین وابستگی این محصول به فولاد و پتروشیمی که هر دو صنعت در کشور از توسعه نسبی خوبی برخوردارند، ظرفیت بالای این محصول برای توسعه را نشان می‌دهد، البته این صنعت با مشکلاتی در زمینه ایجاد پیوند میان صنایع روبروست و برای مثال تولید فولاد با استحکام بالا برای شاسی و بدنه خودرو اکنون به یک معضل این صنعت تبدیل شده است.

یک استراتژی توسعه صنعتی، مؤلفه‌های متعددی دارد که از جمله آنها می‌توان به اولویت‌بندی، اقدامات فزاینده (سطوح کلان)، بخشی (سیاست‌های صنعتی و تجاری، سیاست‌های یادگیری و فناوری و آرایش نهادی و سیاستی مطلوب) اشاره کرد. در این میان، هدف‌گیری صنعتی (اولویت‌بندی) برای همگرایی سیاست‌ها یک شرط لازم محسوب شده و اولین اقدام یک استراتژی برای دستیابی به هماهنگی محسوب می‌شود.

با توجه به اهمیت اولویت‌بندی، اقدامات مختلفی در دوره‌های گذشته در دنیا و همچنین در ایران صورت گرفته است، با توجه به این روش‌ها و تلاش‌ها، مرکز پژوهش‌ها در گزارش «ارزیابی مطالعات اولویت‌بندی صنعتی و پیشنهادهایی برای بهبود سیاست‌گذاری صنعتی»، وضعیت مطالعات اولویت‌بندی، روش‌ها و نتایج آنها را مورد مطالعه قرار داده است. بر این اساس، مرور هشت مطالعه اولویت‌بندی که وزارت صمت و نهادهایی مانند سازمان برنامه‌بودجه انجام داده نشان می‌دهد که با وجود تنوع موضوع‌های مورد مطالعه (پیوندهای پسین و پیشین، مزیت نسبی یا قابلیت تنوع‌یابی)، این مطالعات همگی مبتنی بر کدهای دو رقمی آیسیک بوده و احصای نتایج بر این پایه انجام شده است. با تمرکز بر همین سطح، می‌توان رشته‌فعالیت‌هایی که حداقل در پنج مطالعه از این هشت مطالعه تکرار شده‌اند را به صورت زیر برشمرد:

- صنایع مواد غذایی و آشامیدنی،
- تولید منسوجات،
- تولید مواد و فراورده‌های شیمیایی،
- تولید فلزات اساسی،
- تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر،
- تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق،
- تولید رادیو و تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی،
- تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم‌تریلر،
- تولید سایر تجهیزات حمل و نقل.

البته باید درباره تقسیم‌بندی بالا، دو نکته را متذکر شد: اول اینکه رشته فعالیت‌های تعیین شده مبتنی بر اتخاذ روش‌های گذشته‌نگر و مبتنی بر داده‌های موجود بوده‌اند و اگر ملاحظات آینده‌نگر و بلندمدت مورد توجه قرار گیرد، نتایج می‌تواند متفاوت باشد. این موضوع به ویژه هنگامی که مسئله اتخاذ سیاست‌های میان‌مدت و بلندمدت (نه سیاست‌های کوتاه‌مدت) مطرح باشد، اهمیت بیشتری یافته و رشد تولید منوط به اتخاذ اولویت‌های آینده‌دار (و نه صنایع پرسود در گذشته یا شرایط فعلی) است.

دوم اینکه، دسته‌بندی بالا مبتنی بر رشته فعالیت است، حال آنکه یکی از مبانی اصلی تعیین صنایع پیشران، پیوندهای این صنایع است

۱. در ساخت خودرو، مجموعه‌ای از تکنولوژی رشته‌های مختلف صنعتی (فلزی، پلاستیک، شیمیایی، پارچه، عایق، شیشه، الکترومکانیک، برق، متالوژی و...)، طراحی، مدیریت و اقتصاد به کار رفته است.

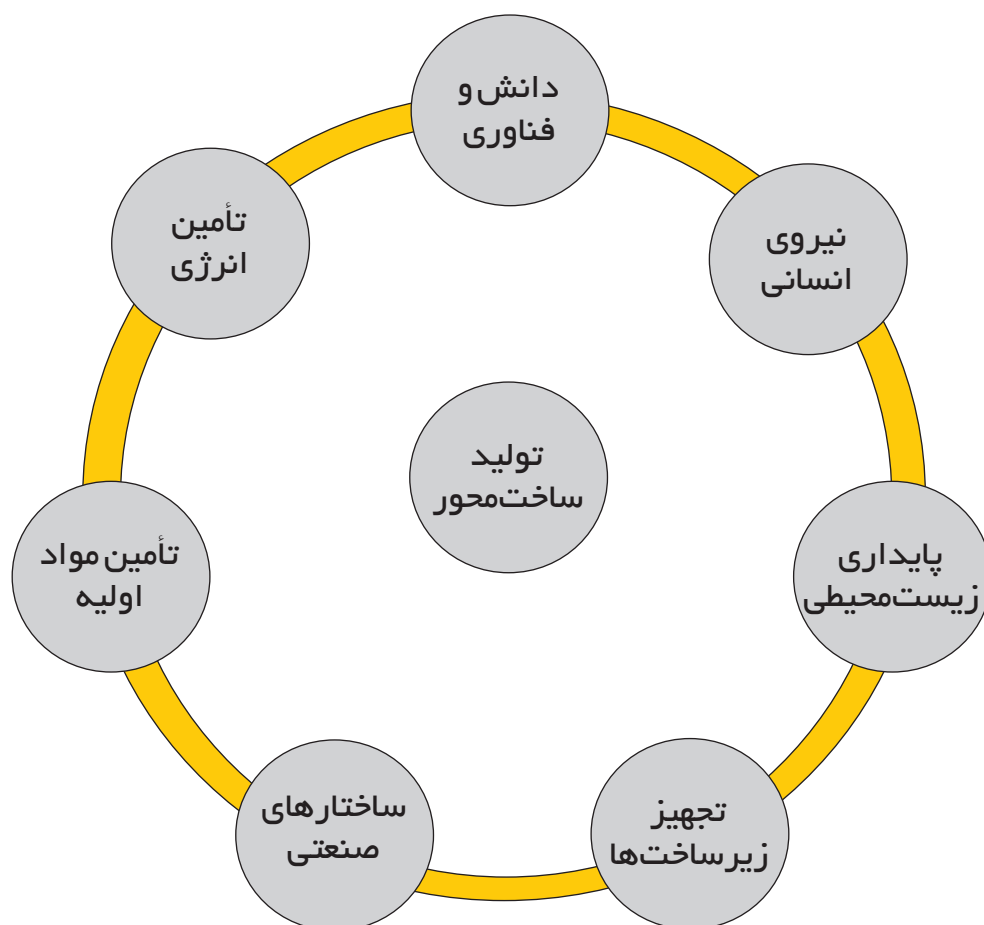


در نهایت محصولات لوازم خانگی، حلقه اول از حلقه‌های توسعه صنایع الکترونیک به حساب می‌آیند و توسعه آن می‌تواند کشور را وارد مرحله سوم تولید یعنی دستیابی به تولیدات دانش‌بنیان سازد. این صنعت در دهه‌های گذشته فراز و فرودهای متعددی را تجربه کرده است، در چند سال گذشته و با ممنوعیت واردات کالاهای کره‌ای، توسعه نسبتاً مناسبی را تجربه کرده و سهم برندهای بومی از بازار داخلی افزایش یافته است، البته این صنعت برای توسعه، نیازمند خروج از شرایط گلخانه‌ای و افزایش رقابت‌پذیری است، این مهم نیز نیازمند سیاستگذاری هوشمندانه است تا فراتر از ارتباط صناعی مانند فولاد و پتروشیمی و ماشین‌سازی با این صنعت برای تأمین نیازهای آن، پیوند با شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری و سایر فعالان حوزه صنایع الکترونیک فراهم شود تا توسعه این محصول در جهت ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری

محصولات این صنعت باشد. تفاوت این رویکرد مبتنی بر زنجیره ارزش و محصول نهایی با آنچه اکنون عمدتاً در کشور اجرا می‌شود، تمرکز بیشتر حمایت‌های دولت و تمایل بیشتر بخش خصوصی بر توسعه صنایع بالادست مانند فولاد و پتروشیمی، به جای هدف‌گیری محصولات نهایی و حمایت مشروط و هماهنگ با زنجیره ارزش محصولات نهایی از این صنایع است.

پس از تعیین اولویت‌ها و هدف‌گیری صنعتی، تولید در سطح زنجیره‌های ارزش و فعالیت‌های مولد (تولید ساخت‌محور) نیازمند پشتیبانی‌ها و تسهیلاتی در طول مراحل پیش و پس از تولید است، این پشتیبانی‌ها و تسهیلاتی را می‌توان حول ۷ محور دسته‌بندی کرد. در نمودار ۱۳ محورهای مرتبط با کارکرد پشتیبانی از بخش تولید ارائه شده است.

نمودار ۱۳. محورهای مرتبط با کارکرد پشتیبانی از بخش تولید ساخت‌محور



غیرمستقیم از طریق برق نیز افزوده شود.

متوسط میزان رشد سالیانه مصرف گاز در ۱۰ سال اخیر برابر با ۵/۳ درصد بوده است. این در حالی است که در سمت تولید نیز شرایط مناسب نبوده و در کوتاه‌مدت نه‌تنها افزایشی در میزان تولید متصور نیست، بلکه میدان پارس جنوبی به‌عنوان اصلی‌ترین میدان گازی کشور با سهم حدود ۷۵ درصدی از تولید گاز طبیعی کشور نیز دچار افت تولید شده است. افزایش بی‌رویه مصرف بخش‌های غیرتولیدی، عدم انجام پروژه‌های بهینه‌سازی و مشکلات موجود در افزایش ظرفیت تولید، باعث تعمیق ناترازی موجود در عرضه و تقاضای گاز طبیعی شده است. براساس محاسبات انجام شده، متوسط ناترازی موجود برای گاز طبیعی در چهار ماه سرد سال ۱۴۰۰، برابر با ۲۲۰/۶ میلیون مترمکعب در روز بوده است. بیشترین میزان ناترازی در بهمن‌ماه و برابر با ۲۷۹/۹ میلیون مترمکعب در روز بوده است. به‌صورت کلی در مورد ناترازی نیز باید گفت بخش خانگی و تجاری به‌صورت متوسط سهم ۲۹/۱ درصدی از کل مصرف سالیانه گاز در کشور را دارند و به‌دلیل کارکرد مصرف گاز طبیعی در این بخش که عمدتاً گرمایشی است، تغییرات دمایی در فصول مختلف سال بر میزان سهم مصرف این بخش از کل مصرف، در ماه‌های مختلف اثرگذار است. در سال ۱۴۰۰، در ماه‌های اردیبهشت تا شهریور، سهم مصرف گاز در بخش خانگی، کمتر از ۱۰ درصد بوده است که در ماه‌های پاییز افزایش یافته و در بیشترین حالت، در دی و بهمن به بیش از ۴۵ درصد نیز رسیده است. با توجه به محدودیت میزان عرضه گاز طبیعی، افزایش مصرف در بخش خانگی و تجاری و اولویت تأمین گاز این بخش، محدودیت‌هایی در تأمین گاز مورد نیاز سایر بخش‌ها اعمال شده است که عمدتاً شامل صنایع سیمانی، پتروشیمی، فولاد و نیروگاه‌هاست. برای مثال در بخش نیروگاهی و سیمانی که امکان جایگزینی سوخت وجود دارد، به‌دلیل عدم تأمین گاز، سوخت جایگزین مایع عرضه شده است. در سال ۱۴۰۰ نیروگاه‌های حرارتی کشور حدود ۱۶ میلیارد لیتر سوخت مایع (شامل ۹/۵ میلیارد لیتر گازوئیل و ۶/۸ میلیارد لیتر نفت‌کوره) را به‌عنوان سوخت جایگزین گاز مصرف کرده‌اند که علاوه‌بر نبود منفعت ایجاد شده، مشکلات زیست‌محیطی را نیز برای کشور به‌همراه داشته است. در صنعت سیمان نیز طی ۴ ماه سرد سال ۱۴۰۰، حدود ۱/۷۷ میلیارد لیتر مازوت به این صنعت تخصیص یافته است. سایر بخش‌های تولیدی نیز به‌دلیل محدودیت تأمین گاز، با افت تولید محصولات به‌ویژه در فصول سرد سال مواجه شده‌اند.

چارچوب بالا را می‌توان پایه‌ای برای سیاستگذاری فعالانه دولت در بخش‌ها یا ارائه سیاست‌های صنعت دانست. به اعتقاد برخی نهادهای جهانی از جمله یونیدو^۱ و صندوق بین‌المللی پول^۲، سیاست‌های صنعتی به دلایلی نظیر مسائل اقتصاد اطلاعات (نقص و عدم تقارن اطلاعات) و معضل هماهنگی توجیه شده و این سیاست‌ها به‌صورت سیاستگذاری دولت در پنج بازار منابع، نیروی انسانی، سرمایه، فناوری و محصول نمایان می‌شود. پیوند این مبنای نظری و مدل بالا در آن است که در مدل بالا اولاً بخش منابع اولیه که در مدل نهادهای جهانی صرفاً زمین را در بر می‌گیرد با سه حوزه تأمین مواد اولیه، تأمین انرژی و تجهیز زیرساخت‌ها تکمیل شده است. علاوه‌بر آن حوزه محصول به دو قالب ساختارهای صنعتی و پایداری زیست محیطی ظاهر شده است. علاوه‌بر اینها باید گفت که سیاست صنعتی از دید ناظران دیگر، موضوعاتی فراتر مانند رفع ناطمینانی‌ها با تعهد دولت را در بر می‌گیرد که به‌صورت ویژه مباحث سطح حفاظت از حقوق مالکیت را با اهمیت می‌سازد.

در ادامه چارچوب نظری بالا، برای بررسی چالش‌های تولید در سطح بخش و زیربخش‌های صنعتی مورد استفاده قرار گرفته و درخصوص برخی از محورهای مذکور که عدم توجه به آنها می‌تواند تنگناهای جدی در مسیر رشد تولید ایجاد کند، نکاتی ارائه شده است.

۱. چالش‌های تأمین انرژی مورد نیاز صنایع

تأمین انرژی پایدار شرط تحقق رشد مستمر و سریع تولید است. این در حالی است که طی سال‌های اخیر، قطعی برق و گاز در فصول تابستان و زمستان یکی از معضلات واحدهای تولیدی کشور است. در ادامه وضعیت تولید و چالش‌های تأمین دو حامل انرژی گاز و برق تشریح شده است.

الف) چالش‌های تأمین گاز مورد نیاز صنایع

گاز طبیعی اصلی‌ترین حامل انرژی کشور بوده و حدود ۷۰ درصد از عرضه انرژی اولیه به آن وابسته است. بررسی سید انرژی در بخش‌های مختلف مصرفی نشان می‌دهد که بخش صنعت با ۷۹ درصد، تجاری و خدمات عمومی با ۶۱ درصد، خوراک پتروشیمی با ۵۵ درصد، کشاورزی با ۳۲ درصد و حمل‌ونقل با ۱۳ درصد بیشترین سهم از وابستگی به گاز طبیعی را دارند. ازسوی دیگر بیش از ۸۰ درصد نیروگاه‌های کشور نیز به گاز طبیعی وابسته هستند که باعث می‌شود تا در تمامی بخش‌های ذکر شده، وابستگی به گاز به‌صورت

1. Weiss, J. (2015). Taxonomy of industrial policy. United Nation Industrial Development Organization.

2. Cherif, R., & Hasanov, F. (2019). The return of the policy that shall not be named: Principles of Industrial policy. International Monetary Fund.



سرمایه‌گذاری در تولید برق را کاهش داده است. عدم تنوع‌بخشی به سبد تولید برق کشور، عدم توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک و اتکای بیش از حد به نیروگاه‌های حرارتی یکی دیگر از ایرادهای مهم صنعت تولید برق کشور است.

اعمال برنامه‌های مدیریت مصرف برق بر صنایع کشور برای جبران ناترازی‌های موجود در میزان عرضه و تقاضای برق در بخش‌های مختلف، نه‌تنها حفظ میزان ظرفیت فعلی تولید صنایع کشور را به مخاطره می‌اندازد، بلکه مانعی جدی در مسیر رشد تولید نیز خواهد بود. این مورد در آمار مصرف برق بخش‌های مختلف مشهود است؛ مصرف برق کشور در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹، به میزان ۵/۲ درصد افزایش یافته است، اما در مورد صنایع، مصرف برق فقط یک درصد افزایش داشته است. این درحالی است که متوسط رشد سالیانه مصرف برق صنایع در ۱۰ سال اخیر حدود ۷ درصد بوده است. رشد اندک در میزان مصرف برق صنایع به‌معنای رشد کم تولیدات صنعتی در سال‌های اخیر (خصوصاً در زمان‌های اوج مصرف برق) است. با توجه به رشد صنایع در یک دهه اخیر، میزان بار مصرفی این بخش نیز افزایشی بوده است. با وجود این با تشدید ناترازی برق در سال ۱۴۰۰، تأمین برق صنایع در زمان اوج مصرف با افت شدید ۴۰ درصدی نسبت به سال قبل همراه بوده است که تبعاً موجب کاهش چشمگیر تولید در زمان‌های اوج شده است. اگرچه انجام اقداماتی توسط وزارت نیرو از جمله انعقاد قراردادهای و اعطای مشوق‌هایی به صنایع جهت کاهش مصرف برق در زمان‌های اوج مصرف، تا حدودی پیامدهای ناترازی برق را کاهش داده و صنایع از این فرصت برای تعمیرات دوره‌ای و تعطیلات تابستانی کارکنان استفاده کرده‌اند؛ اما تهدید ناترازی همچنان به قوت خود باقی است و در صورت عدم چاره‌اندیشی مناسب، هر ساله بر عمق بحران افزوده خواهد شد.

برای حل بحران‌های مذکور و کمک به تأمین مطمئن برق مورد نیاز بخش‌های مختلف کشور به‌ویژه بخش صنعت، ضروری است اقداماتی از جمله بهبود اقتصاد صنعت برق از طریق اصلاح روابط مالی این صنعت، متنوع‌سازی سبد تولید برق کشور و بهینه‌سازی مصرف مورد توجه قرار گیرد.

۲. سیاست‌های آموزشی

در چارچوب ارائه خدمات آموزشی، نظام آموزشی شامل سه زیرنظام یعنی آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی است. در این چارچوب، وظیفه آموزش و پرورش، آموزش مهارت‌های پایه است، درحالی که سازمان فنی و حرفه‌ای، آموزش‌های مهارتی و نظام آموزش عالی، آموزش‌های تخصصی را ارائه می‌دهند. این مهارت‌های فنی و دانش تخصصی از جمله نیازمندی تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص برای بخش صنعت محسوب می‌شود.

با توجه به موارد ذکر شده، با کاهش توان تولید و افزایش مصرف گاز در بخش‌های مختلف و بی‌توجهی به بهینه‌سازی مصرف، میزان کسری و مسئله ناترازی گاز کشور در سال‌های پیش‌رو بیشتر خواهد بود و منجر به اصابت زیان بیشتر به صنایع، کاهش درآمدهای کشور و تعمیق ناترازی ارزی خواهد شد.

ب) چالش‌های تأمین برق مورد نیاز صنایع

صنعت برق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های توسعه صنعتی کشور، نقش بسزایی در مهیا شدن زمینه رشد تولید دارد. ظرفیت نامی تولید نیروگاه‌های برق کشور در پایان سال ۱۴۰۰ معادل ۸۷۸۵۱ مگاوات بوده و تولید ویژه برق در این سال به حدود ۳۴۹ میلیارد کیلووات ساعت رسیده است. صنایع به‌عنوان بزرگترین مصرف‌کنندگان برق کشور، حدود ۳۶ درصد از برق تولیدی را به‌خود اختصاص داده‌اند. پس از آن، مشترکان خانگی با ۳۲ درصد، مشترکان کشاورزی با ۱۵ درصد و سایر مصارف با ۱۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به‌منظور تأمین بخشی از تقاضای برق، برخی صنایع بزرگ اقدام به ایجاد نیروگاه‌های برق خود تأمین کرده‌اند. مجموع ظرفیت نیروگاه‌های خودتأمین صنایع تا پایان سال ۱۴۰۰، حدود ۶ هزار مگاوات بوده و این نیروگاه‌ها در این سال حدود ۶/۴ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید کرده‌اند؛ به‌عبارتی در سال ۱۴۰۰ فقط حدود ۵ درصد از برق تحویلی به صنایع توسط نیروگاه‌های خودتأمین تولید شده است.

علی‌رغم افزایش ظرفیت تولید برق کشور طی سال‌های اخیر، شیب رشد مصرف برق کشور بیشتر از تولید بوده و این افزایش چشمگیر مصرف برق باعث بروز ناترازی در تولید و مصرف برق در مقاطعی به میزان بیش از ۱۰ هزار مگاوات در فصول گرم سال شده است. این ناترازی سبب خاموشی‌های گسترده در سال ۱۴۰۰ برای مشترکان مختلف از جمله مشترکان خانگی شد و در سال ۱۴۰۱ نیز با رویکرد تأمین حداکثری تقاضای برق مشترکان خانگی، باعث پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت مصرف برای مشترکان صنعتی شد. علاوه بر این، میزان تولید برق نیز در فصول سرد سال به‌واسطه مشکلات موجود در تأمین سوخت مورد نیاز (عمدتاً گاز طبیعی) با چالش همراه است. به این ترتیب در فصول سرد سال، صنایع هم از لحاظ تأمین گاز طبیعی (چه به‌عنوان سوخت و چه به‌عنوان خوراک) و نیز تأمین برق مورد نیاز با محدودیت‌های جدی در تولید مواجه هستند.

از جمله مهم‌ترین دلایل این ناترازی که با وضعیت فعلی توسعه ظرفیت نیروگاهی کشور و نیز افزایش مصرف، در آینده نیز تعمیق خواهد شد، ناترازی در اقتصاد صنعت برق ناشی از اختلاف قیمت تمام‌شده و قیمت‌های تکلیفی است که باعث بدهی‌های انباشته وزارت نیرو به بخش خصوصی شده و انگیزه این بخش برای

بخش خصوصی (آموزش‌های سازمان‌نایافته استاد- شاگردی و آموزش‌های غیررسمی همراه با ارائه گواهینامه شایستگی)، تنها می‌توانند تا سطح سوم صلاحیت را ارائه دهند، یعنی تا سطح کمک تکنسین را تربیت می‌کنند. آموزش در مراکز فنی- حرفه‌ای می‌تواند سطح چهارم (تکنسین) را هم تربیت کند. فراتر از این حوزه در حیطه آموزش عالی است. برخی دانشگاه‌های فنی-حرفه‌ای نظیر دانشگاه علمی-کاربردی تا سطح ۶ را آموزش می‌دهند، اما سطوح مهارت حرفه‌ای‌تر در ایران آموزش داده نمی‌شود. نظام آموزش عالی در ایران به این دلیل که بیشتر در تلاش برای آموزش دانش است تا آنکه مهارت را ترویج کند، ناتوان از چنین آموزش‌های تخصصی است.

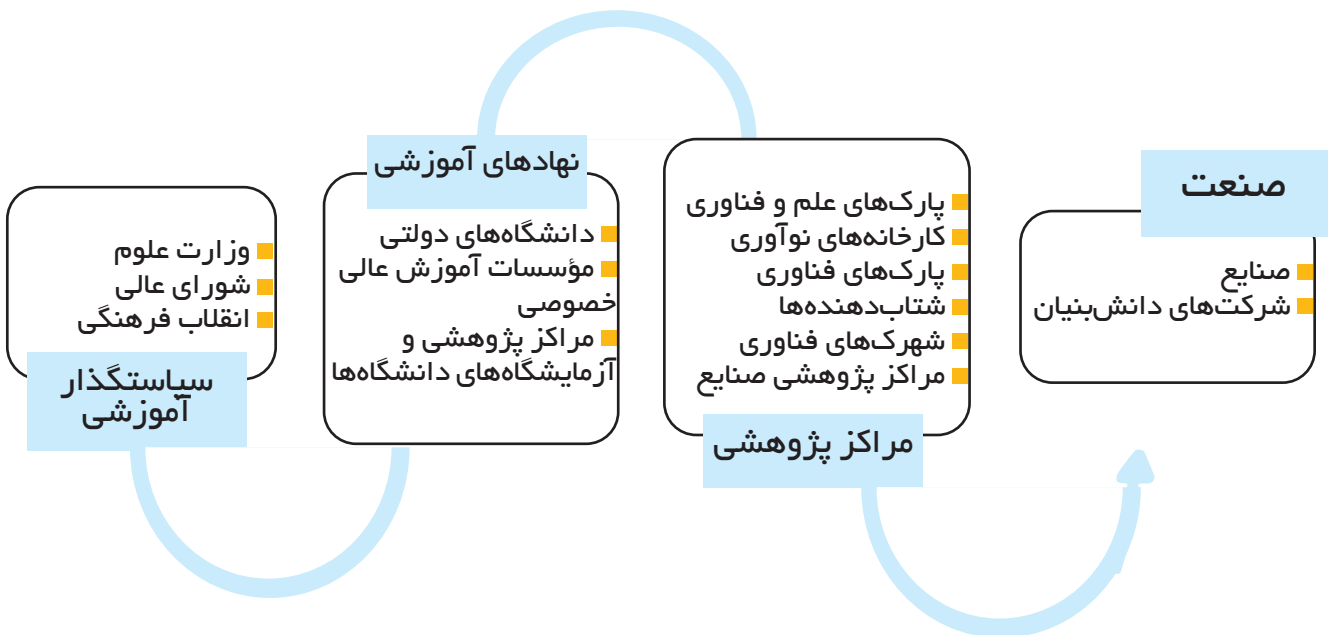
مشکل اصلی نظام آموزشی در ایران تقاضامحور نبودن آموزش‌هاست. در این نظام آموزشی شایستگی‌های حرفه‌ای به‌صورت مناسب مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد و برای ارتقا و رتبه‌بندی مریمان هم اقدامی صورت نمی‌گیرد. در مقابل بی‌ثباتی سیستم آموزش صلاحیت حرفه‌ای و عدم تخصص‌گرایی لازم در این سیستم آن را دچار اشکال می‌کند. نظام آموزش عالی هم برای تربیت نوآوری با مشکلات متعددی روبروست که طیف نهادهای تأثیرگذار در آن در نمودار ۱۴ تشریح شده است.

در قالب دسته‌بندی‌های آموزشی، هشت سطح صلاحیت حرفه‌ای در بازار وجود دارند. بر طبق ماده (۸) قانون «نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی» سطوح صلاحیت حرفه‌ای ملی عبارتند از:

۱. سطح کارگر ساده،
۲. سطح کارگر ماهر،
۳. سطح کمک کاردان حرفه‌ای از قبیل کمک تکنیسین،
۴. سطح کاردان حرفه‌ای از قبیل تکنیسین،
۵. سطح کاردان ارشد حرفه‌ای از قبیل کمک مهندس،
۶. سطح کارشناس حرفه‌ای از قبیل مهندس حرفه‌ای،
۷. سطح کارشناس ارشد حرفه‌ای از قبیل مهندس ارشد حرفه‌ای،
۸. سطح دکترای حرفه‌ای.

یکی از اشکال آموزش مهارت، آموزش‌های استاد-شاگردی یا غیررسمی است. این نوع آموزش مهارت علی‌رغم ظرفیت‌هایی که ایجاد می‌کند ناتوان از ارائه همه صلاحیت‌ها یا ارائه گواهی‌هایی است که صلاحیت نیروی کار را ثابت کند. بر این اساس برپایه ماده (۹) قانون پیش‌گفته، «تضمین کیفیت در نظام آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی» باید «براساس چارچوب صلاحیت حرفه‌ای ملی» انجام گیرد. بر این اساس، از میان هشت سطح صلاحیت‌های حرفه‌ای پیش‌گفته،

نمودار ۱۴. مدل مفهومی برای ارتباط مؤسسات آموزش عالی و بخش صنعت



مأخذ: آسیب‌شناسی صنعتی کشور با تأکید بر صنایع منتخب ۱. آسیب‌شناسی صنایع ماشین‌سازی؛ مرکز پژوهش‌های مجلس؛ شماره مسلسل: ۱۸۶۷۵، ۱۴۰۱



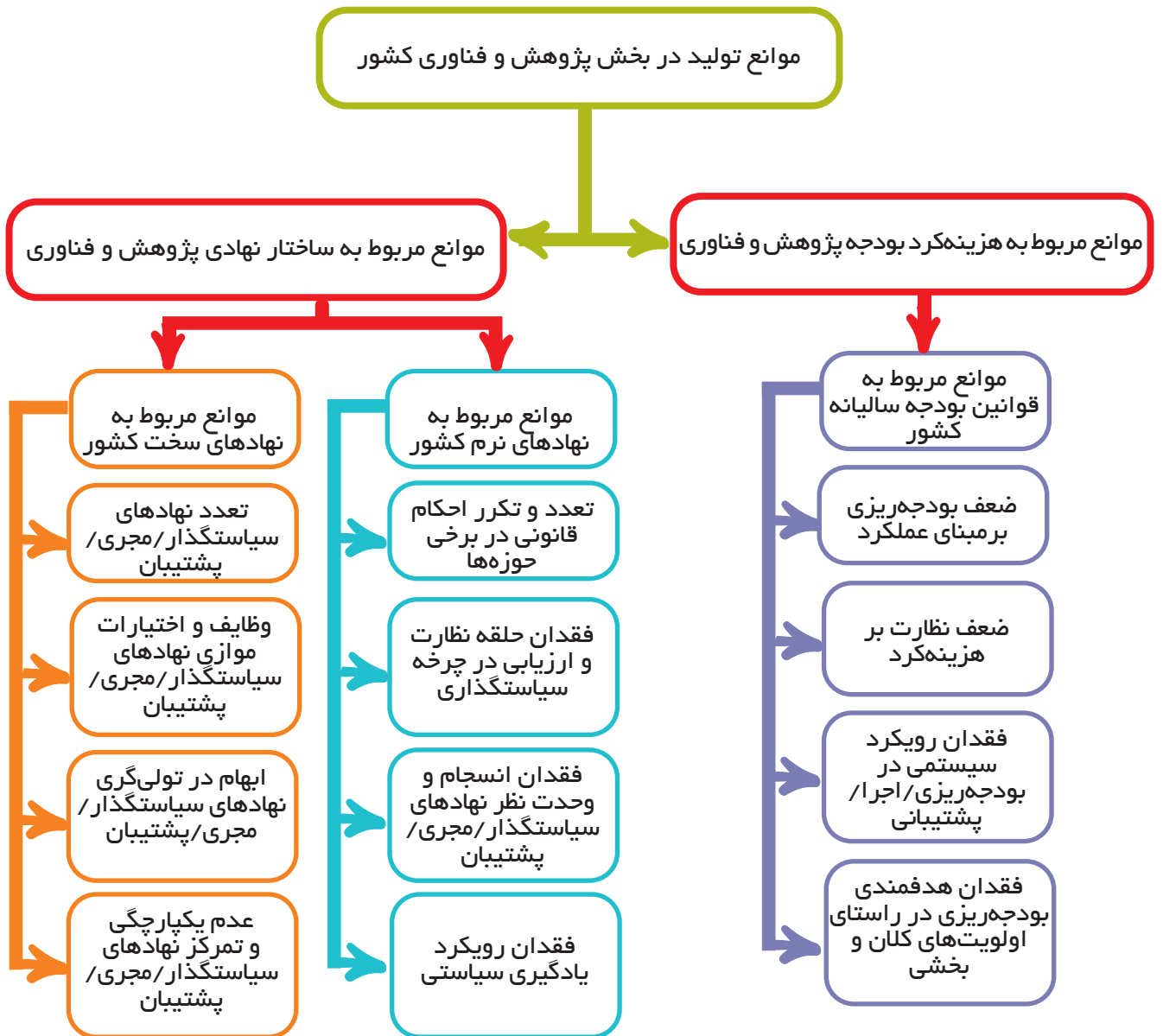
۳. چالش‌های تأمین فناوری

فناوری از دیرباز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی محسوب می‌شود. از جمله مزایای دانش و نوآوری در اقتصاد کشور این است که رشد پایدار، افزایش قدرت رقابت‌پذیری محصولات و ارتقای کارایی را به‌همراه دارد. بر این اساس، مقام معظم رهبری شعار سال ۱۴۰۱ را «سال تولید؛ دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین» قرار دادند که نشان‌دهنده اهمیت نقش توسعه فناوری در تولید و نظام اقتصادی کشور است. در سال ۱۴۰۱، افزایش سهم تولید دانش‌بنیان یکی از اهداف کلیدی بود که هدف از آن تحقق همزمان افزایش تولید و ارتقای فناوری بود که در ارتباط با آن، اقدامات مثبتی صورت گرفت. نکته حائز اهمیت اینکه توسعه فناوری نیز خود به عملکرد نظام نوآوری (پژوهش، نوآوری و فناوری) بستگی دارد. بنابراین لازمه ارتقای کارکرد پشتیبانی فناوری از بخش تولید، رفع موانع نظام نوآوری کشور است. وظیفه نظام نوآوری، خلق، انتشار، توسعه و کاربست آن در صنعت است که در نهایت به بازار و ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد منتهی می‌شود. این نظام، در سطح عملیاتی و اجرایی شامل مجموعه‌ای از هسته‌های دانشگاهی، آزمایشگاه‌های پژوهشی، آزمایشگاه‌های مرجع، شرکت‌های دانش‌بنیان و واحدهای تحقیق و توسعه صنایع است که در سطح سیاستی و نظارتی توسط دستگاه‌های حاکمیتی از جمله وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، صنعت، معدن و تجارت، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نفت، نیرو، دفاع، کشاورزی، و راه و شهرسازی، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین مؤسسات پژوهش و فناوری از جمله سازمان ملی استاندارد، بنیاد ملی نخبگان پشتیبانی می‌شوند. بررسی عملکرد این نظام نشان می‌دهد که در حال حاضر هر بخشی در این حوزه به‌صورت جزیره‌ای در حال انجام فعالیت‌هایی می‌باشد و این نقیصه به‌دلیل عدم وجود برنامه منسجم در نظام نوآوری است. در نمودار ۱۵ موانع تولید در بخش پژوهش و فناوری کشور ارائه شده است.

ناتوانی آموزش عالی در آموزش‌های تخصصی سطوح پنجم تا هشتم و کیفیت پایین آموزش‌ها موجب می‌شود تا بخش صنعت در دستیابی به نیروی کار ماهر با مشکل مواجه باشد. این موضوع در حالی است که صنایع ساخت، بیش از دیگر فعالیت‌ها به نیروی کار متخصص نیاز دارد. تقاضامحور نبودن فعالیت‌های آموزشی به این معناست که به‌جای آنکه نیازهای صنعت موجب ایجاد رشته‌های آموزشی باشد، دولت با اتکا به درآمد‌های نفتی خود، فعالیت‌های آموزشی مختلف را توسعه داده و تأمین مالی می‌کند. این معضل موجب شده تا بسیاری از نیروی کار آموزش داده شده به‌دلیل نبود تقاضا، به شغل‌های نامرتب روی آورده و یا مهاجرت کنند، همچنین در سال‌های اخیر با تشدید مشکلات اقتصادی، حفظ و نگهداشت نیروی انسانی متخصص برای واحدهای تولیدی سخت‌تر شده و از این نظر نیز مشکلات در حال افزایش است.

در پایان باید تأکید کرد که بهبود سیاست‌های آموزشی نیز به مانند سایر سیاست‌های صنعتی زمانی به توسعه صنعتی کمک می‌کند که با هماهنگی نسبت به نیازهای صنایع ساخت همراه باشد. در این چارچوب اقداماتی نظیر تکمیل سامانه جامع اشتغال در کوتاه‌مدت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این موضوع کمک می‌کند تا نیازهای بازار کار و متقاضیان دارای ظرفیت راحت‌تر بتوانند همدیگر را پیدا کنند. فراتر از آن در قالب یک سیاست میان‌مدت می‌توان اجرای مواد (۶) و (۹) «قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی» را توصیه کرد. این مواد به فعال‌سازی «شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی» برای ایجاد هماهنگی در سیاست‌های آموزش مهارت اشاره دارد و علاوه بر آن می‌توان آموزش‌های فنی را به درجه یک و درجه دو تقسیم کرد و سپس با پیگیری تجمیع مراکز و ایجاد قطب‌های آموزش فنی در جوار یا در داخل واحدهای فنی بزرگ مرتبط، توسعه مهارت‌های آموزشی متناسب با نیازهای صنعت را تقویت کرد.

نمودار ۱۵. موانع تولید در بخش توسعه فناوری



مأخذ: مستخرج از یافته‌های گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱.

۱. بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۷۳): بخش پژوهش، فناوری و نوآوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۷۹۸، سال ۱۴۰۱
 - در مسیر تولید دانش‌بنیان و اشتغال آفرین: آسیب‌شناسی نهادی نظام تجاری‌سازی علم و فناوری در کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۱۷۸، سال ۱۴۰۱

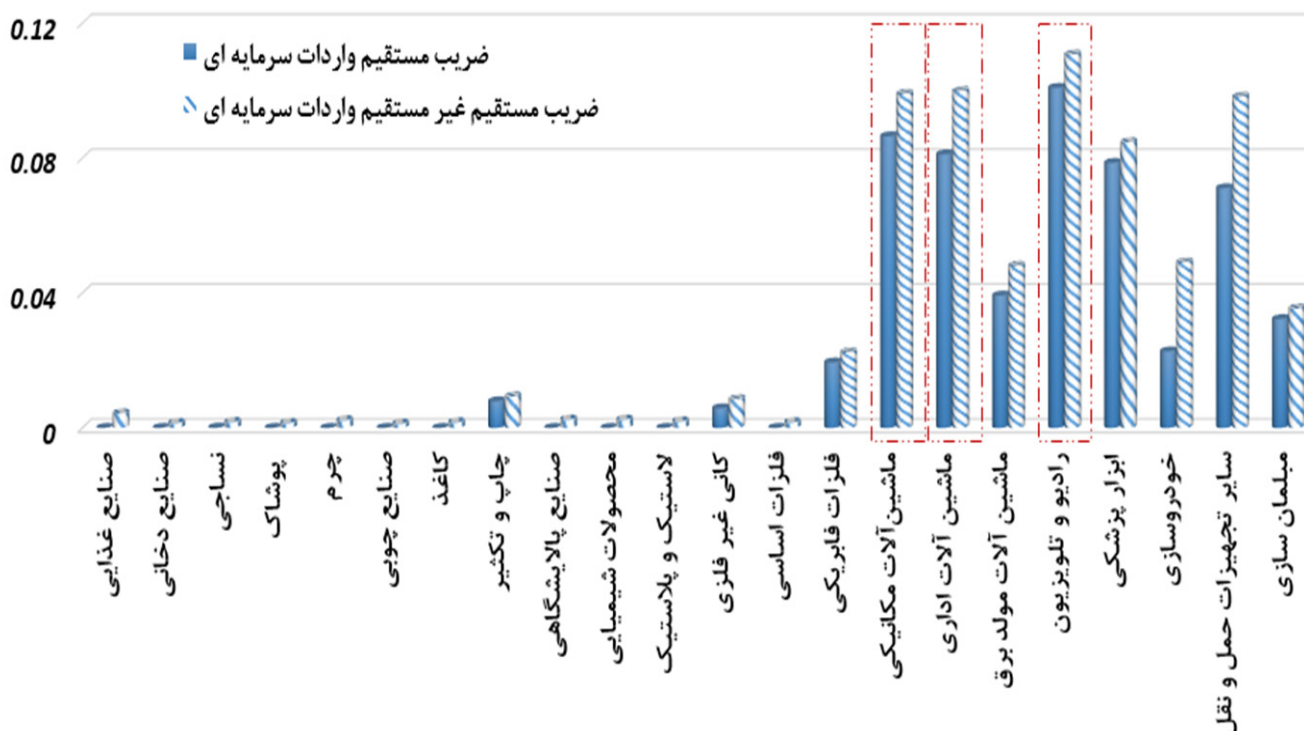


۴. چالش‌های تأمین مواد اولیه

یکی از ویژگی‌های بخش صنعت، وجود پیوندهای پسین و پیشین گسترده درون‌بخشی با سایر بخش‌های اقتصادی است. بخش صنعت از یکسو متقاضی محصولات سایر بخش‌ها از جمله بخش معدن، کشاورزی و نفت و گاز است و از سوی دیگر محصولات تولیدی این بخش مورد استفاده سایر بخش‌های اقتصادی قرار می‌گیرد. هر چقدر بخش‌های پیشین در زنجیره ارزش، محصولات متنوع‌تر با کمیت و کیفیت مناسب در اختیار بخش صنعت قرار دهد، به آن معناست که مواد اولیه مورد نیاز بخش صنعت با قیمت و کیفیت مناسب تأمین شده است که می‌تواند به ارتقای رقابت‌پذیری محصولات تولیدی کمک کند. یکی از عوامل تضعیف صنایع واسطه در طول زنجیره ارزش،

اتخاذ سیاست‌های نامناسب ارزی از جمله تثبیت نرخ ارز طی سال‌های گذشته است. این سیاست سبب شد با کاهش نرخ ارز حقیقی، تولیدکنندگان واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز خود از سایر کشورها را به استفاده از تولیدات داخل ترجیح دهند. به این ترتیب به‌استثنای زنجیره‌های مبتنی بر منابع طبیعی و محصولات خام کشاورزی و معدنی، در سایر صنایع به‌دلیل وابستگی زنجیره تولید به نهاده‌های وارداتی و عدم اتخاذ سیاست‌های صنعتی تقویت‌کننده تولید، قیمت تمام شده محصولات متناسب با افزایش نرخ ارز اسمی افزایش می‌یابد و کماکان تولیدات کشور قدرت رقابت با تولیدات خارجی را ندارد.^۱ در نمودار ۱۶ ضریب وابستگی وارداتی به تجهیزات سرمایه‌ای به تفکیک رشته فعالیت‌های صنعتی ارائه شده است.

نمودار ۱۶. ضریب وابستگی وارداتی به تجهیزات سرمایه‌ای در رشته فعالیت‌های صنعتی



مأخذ: افسانه شفيعی، تحلیل عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری پایین تولیدات صنعتی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بهمن‌ماه سال ۱۳۹۸.

متعدد، امکان بهره‌گیری از ظرفیت منابع طبیعی و مواد اولیه داخلی در کشور را هم با مشکل همراه کرده است. برای نمونه در بخش معدن، عدم توسعه فعالیت‌های اکتشافی در کشور، در اختیار قرار نگرفتن داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز فعالین معدنی، در

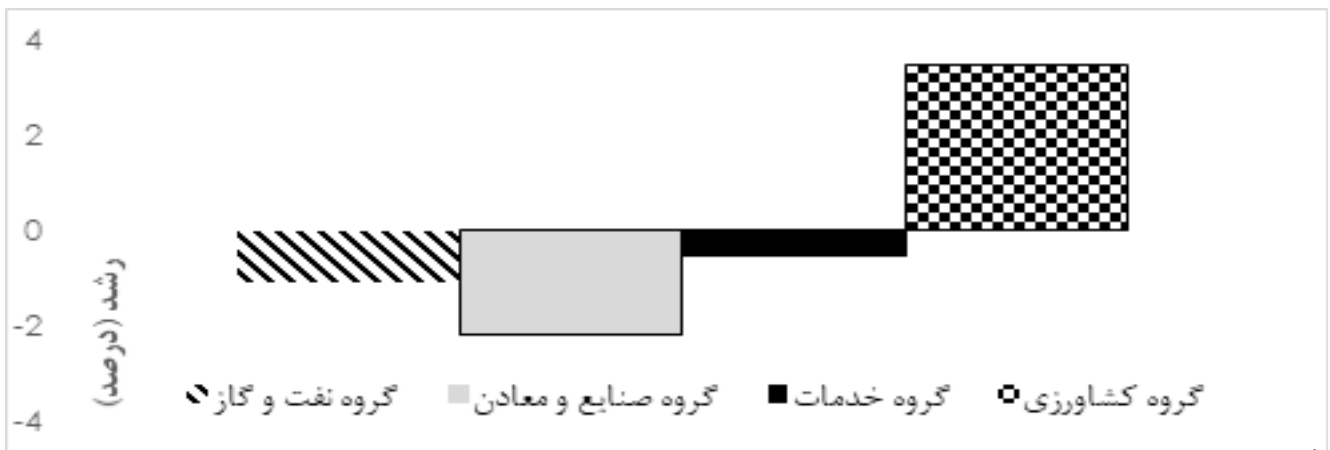
همان‌طور که از آمار نمودار ۱۶ مشخص است بخش عمده‌ای از صنایع کشور دارای وابستگی وارداتی هستند که در صدر آنها صنایع ماشین‌سازی است. شایان ذکر است فارغ از مشکلات تأمین مواد اولیه و واسطه وارداتی، وجود چالش‌های

^۱ گزارش درآمدی بر راهبرد ارزی کشور: پیامدهای تثبیت نرخ ارز اسمی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۷۸۰۰، مهرماه ۱۴۰۰.

علاوه بر موارد پیش‌گفته، بهره‌وری پایین عوامل تولید نیز سبب می‌شود بخش‌های اقتصادی کشور در استفاده کارا از منابع و نهاده‌های در اختیار خود وضعیت مناسبی نداشته باشند. براساس آمار نمودار ۱۷ در اغلب بخش‌های اقتصادی کشور شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ رشد منفی داشته است.

دسترس قرار نگرفتن زمین به‌منظور انجام فعالیت‌های اکتشافی، جذابیت پایین اقتصادی فعالیت‌های اکتشافی، به‌دستی انجام نشدن فعالیت‌های اکتشافی، در دسترس نبودن نهاده‌های مورد نیاز برای معادن و صنایع معدنی، تأمین ناپایدار انرژی برای واحدهای انرژی‌بر و جلوگیری از واردات ماشین‌آلات سنگین معدنی از جمله چالش‌های توسعه بخش معدن کشور است.

نمودار ۱۷. متوسط شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید به تفکیک بخش‌های اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۹



مأخذ: گزارش چکیده وضعیت بهره‌وری در ایران، سازمان ملی بهره‌وری، ۱۴۰۱.

۵. ساختار صنعتی

از جمله عواملی که بر کیفیت تولید و امکانات رشد آن مؤثر است، ساختارهای تولیدی هستند. امروزه گذار از مرحله «تولید انبوه»^۱ به «تولید ناب»^۲ موجب شده تا واحدهای کوچک و متوسط که پیشتر فاقد مزیت و بیرون از توجه سیاست‌های اقتصادی محسوب می‌شدند، دارای اهمیت شده و از منظر تنوع‌یابی و انعطاف‌پذیری مورد توجه قرار گیرند. در این قالب، ساختارهای تولیدی مبتنی بر برون‌سپاری و ایجاد شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی به جای ادغام عمومی و خط تولید ثابت مورد توجه قرار گرفته است.

اهمیت توجه به شبکه‌ها و خوشه‌های تولیدی از آن رو بیشتر می‌شود که مسیر توسعه، مسیری همراه با تحولات ساختاری مستمر تولید شناخته شود. مسیری که با گذار کانون فعالیت‌های اقتصادی از یک بخش یا رسته به سایر بخش‌ها و رسته‌ها شکل می‌گیرد و در این مسیر باید با شناخت از روند گذشته و آینده بخش‌ها و زیربخش‌ها به سیاست‌گذاری پرداخت. با نگاه به ادبیات سیاست صنعتی، این مسئله را می‌توان مشاهده کرد که در دهه‌های

اخیر تمرکز به جای تأکید بر رشته فعالیت‌ها یا بنگاه‌های منفرد بر زنجیره‌های تولیدی و شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی بوده و تلاش برای بهبود پیوندها جانشین ایجاد کارایی درون یک بنگاه شده است، تمرکزی که یکی از نقاط عطف آن طرح بحث خوشه‌های صنعتی^۳ بوده است.

تمرکز بر زنجیره‌های تولیدی به‌جای رشته فعالیت‌ها یا بنگاه‌های منفرد، اهمیت توجه به پیوندها در طول زنجیره برای تحقق کارایی و تولید محصول را برجسته می‌سازد و براساس آن منظومه‌ای شدن بنگاه‌ها (خوشه‌ای شدن آنها) راهی برای کسب کارایی شمرده می‌شود. در چارچوب شبکه‌های تولیدی، روابط عمودی در طول زنجیره ارزش و در قالب خوشه‌ها رقابت افقی و همکاری عمودی میان بنگاه‌های مستقر در یک ناحیه جغرافیایی اهمیت می‌یابد. به عبارت دیگر، این استدلال مطرح شده است که مجاورت جغرافیایی، وضوح و شفافیت میان رقبا را تسهیل می‌کند، که این امر موجب می‌شود رقابت‌پذیری خوشه (به‌عنوان یک کل) افزایش یابد، علاوه بر آن، نزدیکی جغرافیایی و پیوندهای مستمر،

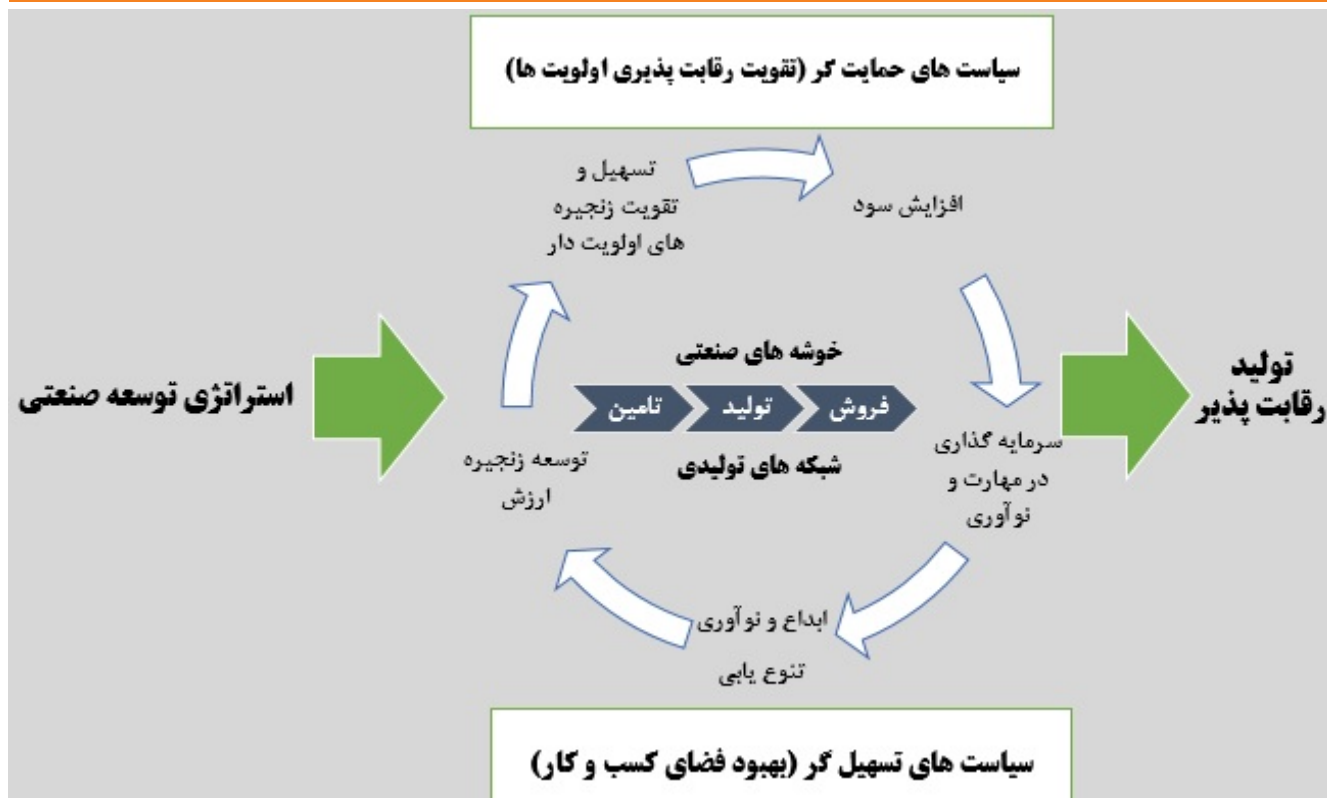
1. Mass Production.
2. Lean Production.
3. Industrial Cluster.

۴. علی ربیعی و عیسی منصور، کتاب توسعه اشتغال پایدار، جلد اول: توسعه کسب‌وکار برای اشتغال پایدار، ۱۳۹۶.

خوشه‌هاست، این موضوع به افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط منجر می‌شود که با توجه به وابستگی بیشتر آنها به آثار خارجی همجواری و سرریز فناوری، در بهبود عملکرد و رقابت‌پذیری آنها تأثیر بسزایی دارد.^۳ نمودار ۱۸ ترسیمی از تأثیر ساختارهای خوشه‌ای و شبکه‌ای بر رقابت‌پذیری بنگاه‌ها ارائه می‌دهد.

همکاری در طول زنجیره ارزش را تسهیل کرده و کارایی مجموع بنگاه‌ها یا اصطلاحاً کارایی جمعی^۱ افزایش می‌یابد یعنی فراتر از صرفه‌هایی که حاصل همجواری یا تجمیع در یک مکان جغرافیایی برای بنگاه‌هاست، مفهوم کارایی جمعی مزیتی است که بنگاه‌ها ممکن است از طریق عمل مشترک^۲ به‌دست آورند. به اعتقاد مایکل پورتر که از پیشگامان نظریه‌پردازی

نمودار ۱۸. ساختارهای خوشه‌ای و شبکه‌ای و تأثیر آن بر رقابت‌پذیری بنگاه‌ها



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

کیفیت، ۵۳٪ خوشه‌ها محصولاتی با کیفیت پایین تولید می‌کنند و تنها ۱۲٪ خوشه‌ها به تولید محصولات باکیفیت بالا می‌پردازند.^۴ همچنین سطح تخصص‌یافتگی^۵ در این خوشه‌های اندک است (۶۴٪ دارای تخصص‌یافتگی اندک و اشتراک‌گذاری کم). همچنین از نظر اشتغال هم تنها ۸٪ بنگاه‌ها با تخصص‌یافتگی مناسب روبرو هستند. همچنین تنها ۶۲٪ اشتغال خوشه‌ها، اشتغال دائم است. بنابراین چه از نظر تولید و چه از نظر اشتغال، خوشه‌های کشور از وضعیت مناسب و توسعه‌یافته‌ای برخوردار نیستند.

براساس مطالعات صورت گرفته از میان خوشه‌های شناسایی شده در کشور، ۷۹٪ این خوشه‌ها، نابالغ و در مرحله جنینی هستند و تنها ۲۱٪ از این خوشه‌ها از مرحله جنینی عبور کرده‌اند. علاوه بر این، خوشه‌های شناسایی شده از نظر میزان فناوری ماشین مورد استفاده (مکانیزاسیون)، در موقعیت بسیار ضعیفی قرار می‌گیرند، به‌گونه‌ای که تنها ۵٪ این خوشه‌ها به این سطح فناوری دست پیدا کرده‌اند و در مقابل به ترتیب ۶۰٪ و ۳۵٪ خوشه‌ها در سطوح مکانیزاسیون متوسط و پایین قرار دارند. علاوه بر این از منظر

1. Collective Efficiency.

2. Joint Action.

۳. مایکل پورتر، مزیت رقابتی ملل، نشر رسا، ۱۳۹۰.

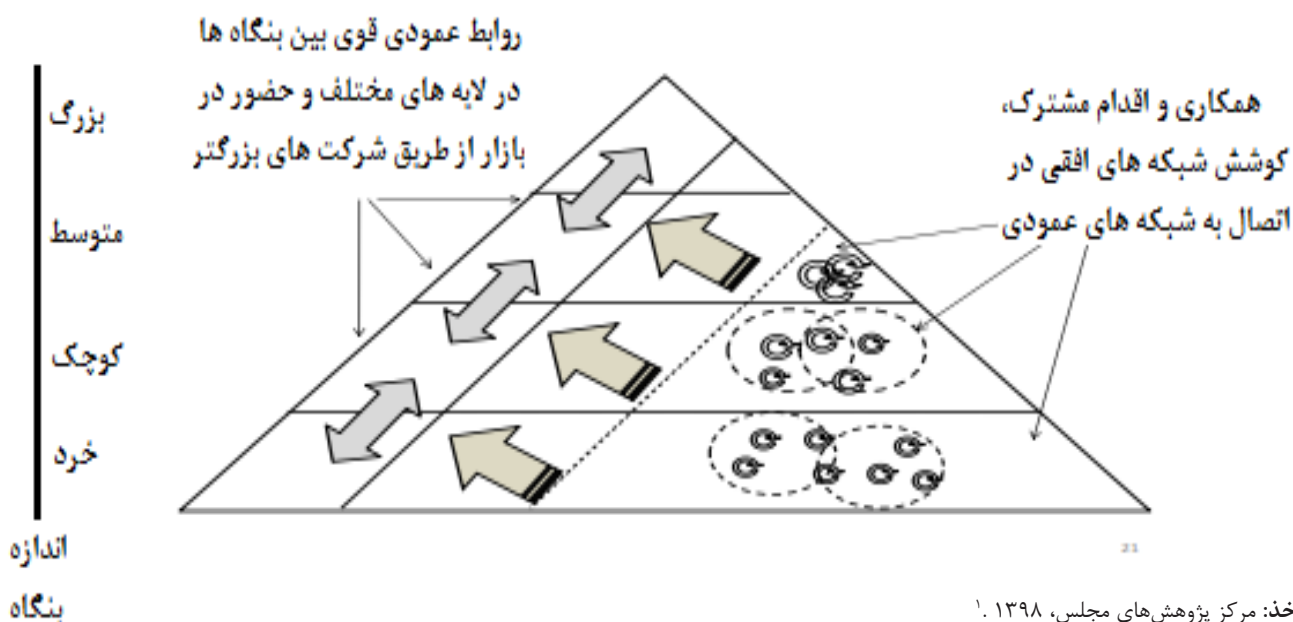
۴. رهیافتی برای توسعه خوشه‌های کسب‌وکار در برنامه هفتم توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۸۰۷۵، ۱۴۰۰.

5. Specialization.

۱۰ نفر کارکن، بیانگر حاکمیت بنگاه‌های بزرگ بر تولید صنعتی است، اما منبع‌محور بودن اکثر صنایع (سهم ۵۴ درصدی این صنایع) نشان می‌دهد که این آرایش سازمانی به استقرار صناعی که بیشتر پیوندها و شبکه را در درون کشور ایجاد کنند منجر نشده است. در نمودار ۱۹ مدل بهینه روابط افقی و عمودی بین لایه‌های مختلف بنگاهی ارائه شده است.

مهم‌ترین نکته‌ای که در خوشه‌های صنعتی مورد توجه است، توانایی ایجاد پیوند، به‌ویژه پیوندهای عمودی است. از این نظر می‌توان گفت پیوندهای عمودی میان بنگاه‌ها با موانع بسیار روبرو بوده و بنگاه‌های کوچک و متوسط در بحران‌های اقتصادی بیشتر دچار آسیب شده‌اند. با وجود سهم ۸۰ درصدی بنگاه‌های بزرگ (بیش از ۱۰۰ نفر کارکن) در مجموع ارزش‌افزوده بنگاه‌های صنعتی بیش از

نمودار ۱۹. مدل بهینه روابط افقی و عمودی بین لایه‌های مختلف بنگاهی



مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸.

توسعه خوشه‌ای که متضمن اصول، فرایند، ساختار، اهداف، منابع و تقسیم کار نهادی بوده و ایجاد انسجام و هماهنگی بین نهادها و دستگاه‌های (سطح ملی و استانی) را دربر می‌گیرد، می‌تواند تحقق یابد. علاوه بر این، برنامه توسعه خوشه‌ای باید با اولویت‌های پیشنهادی گزارش حاضر منطبق بوده و اولویت‌های توسعه خوشه‌ای مطابق آن صورت گیرد.

برای بهبود ساختارهای تولیدی، استفاده از ظرفیت‌های توسعه خوشه‌ای می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مهم مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو، اعتباربخشی به جایگاه استراتژی بلندمدت خوشه‌سازی با تأکید بر اجماع همه دستگاه‌ها و نهادهای پشتیبان حاکمیتی کشور، می‌تواند گامی مهم برای اصلاح ساختار اقتصادی باشد. این اعتبار بخشی از طریق تدوین سازوکارهای

جمع‌بندی و پیشنهادها

به رشد سریع و مستمر هنگامی قابل تحقق است که سیاست‌های دولت بتواند گذار اقتصاد از تولیدات منبع‌محور (که صرفاً وابسته به استخراج بیشتر منابع طبیعی است) به تولیدات ساخت‌محور (کارایی‌محور و سپس دانش‌بنیان) را تشویق کند و فراتر از کمیت تولید، کیفیت آن را نیز افزایش دهد. در چارچوب ملاحظات اقتصادی، رشد تولید نیازمند افزایش سرمایه‌گذاری است؛ اما افزایش سرمایه‌گذاری زمانی تحقق می‌یابد که چشم‌انداز سودآوری

اقتصادهای منبع‌محوری مانند اقتصاد ایران، همواره با این خطر عمده روبرو هستند که در نتیجه شوک‌های بیرونی و تغییرات مقطعی قیمت مواد معدنی و سایر منابع طبیعی یا افزایش تقاضای آن، رشدهای مقطعی و کم‌توانی را تجربه کنند که به‌صورت کوتاه‌مدت رشد ایجاد می‌کند، اما در میان‌مدت و بلندمدت قابلیت استمرار یا افزایش قابلیت‌های تولیدی را ندارد. بنابراین همچنان که در متن گزارش توضیح داده شد ارتقای تولید از مسیر کم‌رشد



است با هدف رشد تولید، منابع تأمین مالی بخش صنعت متنوع‌تر شود. بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار از دیگر موانع اصلی بهبود محیط کسب‌وکار در ایران است. علاوه بر موارد پیش گفته کیفیت حکمرانی و سهم بالای دولت در تصدی‌گری امور و ضعف امنیت حقوق مالکیت از موانع جدی در مسیر رشد مستمر تولید در کشور است. عدم تعریف و تضمین درست حقوق مالکیت پیامدهای منفی از جمله گسترش بخش غیررسمی، کوچک شدن مقیاس فعالیت و رجحان فعالیت سوداگرانه و دلالی را به همراه دارد که همگی در تعارض با تحقق هدف رشد تولید پایدار هستند. از این رو اتخاذ سازوکارهایی برای بهبود رتبه شاخص حقوق مالکیت در کشور (رتبه فعلی ۱۱۳ از میان ۱۲۹ کشور جهان) ضروری است. در سطح بخشی پس از تعیین اولویت‌ها و صنایع پیشران، محورهای پشتیبان تولید شناسایی و محدودیت‌های هر یک بررسی شد.

پیشنهادها

برای دستیابی به رشد مستمر و سریع و گذار از کم‌رشدی و رشدهای مقطعی بیش از هر چیز تغییر جهت‌گیری‌های راهبردی نیاز است. از جمله جهت‌گیری‌های کلی می‌توان به تقویت دیپلماسی اقتصادی، اقدامات لازم برای جلوگیری از نوسانات شدید ارزی، شفاف‌سازی کارکردهای حکمرانی (کاهش تصدی‌گری دولت و تقویت تنظیم‌گری) و ارتقای حقوق مالکیت بر پایه تقویت نهادهای تنظیم قرارداد اشاره کرد که با توجه به اهمیت موارد مذکور، تحلیل هر یک گزارش مجزایی را می‌طلبد. مع الوصف در ادامه به شناسایی اقدامات بخشی با هدف زمینه‌سازی برای رشد پایدار بخش تولید و به‌طور خاص تعدادی از صنایع ساخت‌محور و دارای اولویت کشور پرداخته شده است.

تولید در بازارها بهبود یابد. این چشم‌انداز سودآوری بیش از هر چیز تابع سه عنصر است، دامنه و گستره بازارهای در دسترس و سهم از آن، اندک بودن نااطمینانی‌ها و مخاطرات فعالیت اقتصادی و اندک و رقابتی بودن هزینه‌های تولید که خود تابعی از میزان در دسترس بودن منابع و عوامل تولید و نیز دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات اساسی است. در این چارچوب می‌توان رشد تولید را تابعی از فضای بین‌المللی تولید، فضای ملی و فضای بخشی تولید در نظر گرفت.

براساس نتایج این گزارش سهم ۰/۳ درصدی ایران از صادرات جهانی با تمرکز بالا به‌طوری که ۷۵ درصد کالاهای غیرنفتی ایران فقط به ۵ کشور جهان صادر می‌شود و سهم کم فناوری در ساخت محصولات صنعتی، ضرورت تقویت دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یک ابزار مهم در سطح بین‌المللی که می‌تواند در خدمت سیاست‌های کلان کشور جهت پیشبرد هدف رشد تولید باشد، نمایان می‌سازد. در سطح ملی، نتایج گزارش نشان می‌دهد که اصلاحات و جهت‌گیری‌های راهبردی به‌منظور بهبود فضای کسب‌وکار و ارتقای کیفیت حکمرانی و تقویت حقوق مالکیت به‌عنوان بستر رشد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی ضروری است. نوسانات شدید نرخ ارز با توجه به سهم بیش از ۸۰ درصدی انواع واردات از جمله واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، موجب بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه و محصولات و نامساعد شدن محیط کسب‌وکار و افزایش نااطمینانی شده است. مشکلات نظام بانکی در کنار سهم غالب آنها در تأمین مالی بخش تولید (سهم حدود ۸۰ درصدی نظام بانکی در تأمین مالی بخش صنعت و معدن) نشان از اهمیت تنوع‌بخشی به روش‌ها و منابع تأمین مالی بخش تولید دارد. ضمن اینکه بیش از ۷۸ درصد از تسهیلات در بخش صنعت و معدن برای تأمین سرمایه در گردش، پرداخت شده که عمدتاً برای حفظ وضع موجود است. بنابراین لازم



جدول ۵. چالش‌های رشد تولید مستمر و سریع و ارائه جهت‌گیری‌های راهبردی

پیشنهادها برای سیاست‌گذاری محصولات منتخب

شرح	منابع (انرژی، زمین، معدن)	نیروی انسانی	سرمایه	فناوری	محصول
موضوعات مشترک بخش تولید	<p>تأمین انرژی پایدار از طریق:</p> <ul style="list-style-type: none"> املاح رابطه مالی زنجیره گاز طبیعی و برق، اولویت‌دهی به تسویه گواهی مصرف‌جویی مبتنی بر ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر به منظور حضور بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌های بهینه‌سازی انرژی، کارآمدسازی تعرفه در بخش‌های مختلف مصرفی، خودتامینی گاز و برق صنایع عمده، تأمین مالی توسعه پالادست نفت و گاز از محل صادرات، توسعه ظرفیت ذخیره‌سازی گاز طبیعی، اصلاح ساختار بهینه‌سازی انرژی در کشور، پایش مصرف انرژی و فرهنگ‌سازی عمومی، متنوع‌سازی سبد تولید برق کشور با توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، حمایت و رفع چالش‌های معاملات برق در بازارهای مالی مطمئن. 	<ul style="list-style-type: none"> تکمیل سامانه جامع اشتغال برای گردش بیشتر اطلاعات و تسهیل انتقال اطلاعات کارجویان و نیازهای بخش صنعت (کوتاه‌مدت). اجرای مواد (۶) و (۹) «قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی» و فعال‌سازی «شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی» (میان مدت). تجمع‌مرکز و ایجاد قطب‌های آموزش فنی در جوار با در داخل واحدهای فنی بزرگ مرتب. تقویت توسعه مهارت‌های آموزشی متناسب با نیازهای صنعت. 	<p>تنوع بخشی به تأمین مالی بخش صنعت از طریق اصلاحات سازوکار بازار سرمایه، اجرایی‌سازی فکتورینگ و ...</p>	<ul style="list-style-type: none"> بهبود بهره‌وری عوامل تولید از طریق نظارت بر اجرای طرح بازسازی و نوسازی صنایع. تحریک بازار محصولات واسطه‌ای از طریق نظارت بر اجرای قوانین حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی و قانون جهش تولید دانش‌بنیان. 	بهبود فضای کسب و کار

شرح	منابع (انرژی، زمین، معدن)	نیروی انسانی	سرمایه	فناوری	محصول
خودرو*	<ul style="list-style-type: none"> تسهیل دسترسی خودروسازان به مواد خام مورد نیاز در صنعت مس، لیتیم، فولاد (ورق با استحکام بالا) و مواد پتروشیمی از طریق برنامهریزی برای استخراج و تولید مواد مذکور. 	<ul style="list-style-type: none"> توسعه مراکز تخصصی آموزش نیروی کار ماهر جنب قطب‌های خودروسازی کشور. اعطای کمک و ایجاد بستر برای جذب نیروی متخصص در مراکز تحقیق و توسعه خودروسازان بزرگ. 	<ul style="list-style-type: none"> تسهیل تأمین مالی ریالی و ارزی با جهت‌گیری طراحی و تولید خودروهای جدید و تسهیل سرمایه‌های در دسترس بین‌المللی. توسعه نرم‌افزارهای خودروهای داخلی. توسعه فناوری‌های مربوط به باتری. 	<ul style="list-style-type: none"> توسعه زنجیره ارزش خودرو مبتنی بر مزیت‌های منطقه‌ای و همکاری‌های در دسترس بین‌المللی. 	<ul style="list-style-type: none"> ساماندهی نظام تنظیم‌گری در صنعت خودرو با هدف ایجاد پنجره واحد تصمیم‌گیری. تسویه در بازار خودرو از طریق همسازی سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی از طریق: <ol style="list-style-type: none"> ارتباط معنادار کیفیت محصولات تولیدی و میزان سود مصوب هر محصول. شفافیت در قراردادهای و آتالیز قیمت قطعات. واردات خودروی نو و کارکرده با در نظر گرفتن ملاحظات فنی و خدمات پس از فروش. استفاده از ابزارهای مالیاتی به منظور جلوگیری از سوداگری. عرضه تدریجی بخشی از خودروها (کم‌تیراژ) به قیمت حاشیه بازار (از طریق بورس کالا). تجزیه و تحلیل (آتالیز) هزینه به صورت حداقل سالی یکبار.

شرح	منابع (انرژی، زمین، معدن)	نیروی انسانی	سرمایه	فناوری	محصول
پوشاک و نساجی**	<ul style="list-style-type: none"> بازنگری در سازوکار تأمین مواد اولیه مصنوعی مورد نیاز صنعت نساجی در بورس کالا و ایجاد واحدهای جدید پتروشیمی برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع داخلی. حمایت از ایجاد و توسعه شهرک‌های پوشاک و سکوهای فروش. 	<ul style="list-style-type: none"> بازنگری در الزامات بیمه کارگران صنایع نساجی. 	<ul style="list-style-type: none"> بازنگری در روش‌های تأمین مالی و استفاده از روش‌های نوین 	<ul style="list-style-type: none"> تشویق به شبکه‌سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ صنعت در قالب روابط قراردادی و غیرقراردادی در جهت بهبود نوآوری و تنوع. حمایت از خرید جمعی تجهیزات مورد نیاز صنایع نساجی و پوشاک. ارائه برنامه جامع باساز و نوسازی صنایع کشور با اولویت واحدهای نساجی بافندگی. تشویق و طراحی سازوکار نظام‌مند برای واحدها به منظور بهره‌گیری از مزیت نیروی کار ارزان برای تولید مشترک با برندهای منطقه‌ای و جهانی. 	<ul style="list-style-type: none"> شناسایی و حمایت از تولیدات ارزش‌آور و رقابت‌پذیر. تقویت بازرسی‌ها و سامانه‌های اطلاعاتی در مبادی ورودی کشور برای مبارزه موثر با قاچاق. بازنگری در تعرفه واردات مواد اولیه و واسطه‌ای تولیدات نساجی و پوشاک به منظور متناسب‌سازی نرخ تعرفه با عمق ساخت داخل و نیاز این صنایع. ایجاد پنجره واحد ثبت برند. تشویق صادرات شرکت‌ها از طریق شرکت‌های مدیریت صادرات و یا چتر برند.

شرح	منابع (انرژی، زمین، معدن)	نیروی انسانی	سرمایه	فناوری	محصول
لوازم خانگی و الکترونیکی***	<ul style="list-style-type: none"> بهبود پیوندها با صنایع فولاد و پتروشیمی برای تولید محصولات مرتبط 	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد قطب‌های آموزش مهارت‌های محیط کار در لوازم خانگی به‌ویژه در کنار شرکت‌های بزرگ این بخش. 	<ul style="list-style-type: none"> تسهیل در تأمین مالی ریالی و ارزی این صنعت با استفاده از روش‌های نوین تأمین مالی (فکتورینگ) و تأمین مالی زنجیره‌ای. 	<ul style="list-style-type: none"> تمرکز بر حل مشکلات زنجیره ارزش معطوف به افزایش عمق داخلی‌سازی و کیفیت محصولات. 	<ul style="list-style-type: none"> حمایت از ادغام، یکپارچه‌سازی و شبکه‌سازی در صنعت با هدف دستیابی به مقیاس بهینه در صنعت. حمایت از صنعت از طریق اعطای تسهیلات خرید لوازم خانگی بادوام داخلی به مصرف‌کنندگان. مبارزه با قاچاق در مبادی ورودی و کاهش تدریجی ممنوعیت واردات لوازم خانگی جهت افزایش رقابت‌پذیری در این صنعت. بازنگری در تعرفه‌های واردات محصولات نهایی با هدف بهبود رقابت‌پذیری.



°: سلسله گزارشات صنعت خودروسازی با عناوین: بررسی مسئله قیمت‌گذاری خودرو در ایران، تحلیلی بر ساختار مالکیت دو بنگاه خودروسازی ایران خودرو و سایپا و الزامات اصلاح آن، کیفیت، کلاف سردرگم صنعت خودروسازی کشور، به زودی از طرف مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر خواهد شد.
**: گزارش آسیب‌شناسی صنایع نساجی و پوشاک و راهکارهای برون‌رفت از وضعیت موجود، به زودی از طرف مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر خواهد شد.
***: همچنین در گزارش مجزایی به‌صورت مفصل به آسیب‌شناسی صنایع لوازم خانگی و راهکارهای برون‌رفت از وضعیت موجود پرداخته شده که منتشر خواهد شد.

منابع و مآخذ

۱. آسیب‌شناسی صنعتی کشور با تأکید بر صنایع منتخب ۱. آسیب‌شناسی صنایع ماشین‌سازی؛ مرکز پژوهش‌های مجلس؛ شماره مسلسل ۱۸۶۷۵، ۱۴۰۱.
۲. آمار حساب‌های ملی، مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰.
۳. بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور ۱۳. ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ از منظر سطح توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۷۳۰۲، سال ۱۴۰۰.
۴. بررسی وضعیت تأمین مالی بخش صنعت و معدن با تأکید بر نقش بازار سرمایه، چالش‌ها و پیشنهاد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۴۰۰.
۵. بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۷۳): بخش پژوهش، فناوری و نوآوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۷۹۸، سال ۱۴۰۱.
۶. پایگاه تحلیلی گزارش شاخص حقوق مالکیت به نشانی <https://www.internationalpropertyrightsindex.org>
۷. پورتر، مایکل. مزیت رقابتی ملل، نشر رسا، ۱۳۹۰.
۸. چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در سال ۱۳۹۸، ۱. بخش صنعت مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۶۵۰۲، ۱۳۹۸.
۹. در مسیر تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین: آسیب‌شناسی نهادی نظام تجاری‌سازی علم و فناوری در کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۱۷۸، ۱۴۰۱.
۱۰. ربیعی، علی و عیسی، منصور. کتاب توسعه اشتغال پایدار - جلد اول: توسعه کسب‌وکار برای اشتغال پایدار، ۱۳۹۶.
۱۱. رهیافتی برای توسعه خوشه‌های کسب‌وکار در برنامه هفتم توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۸۰۷۵، ۱۴۰۰.
۱۲. سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹-۱۳۹۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۴.
۱۳. شفیع، افسانه. تحلیل عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری پایین تولیدات صنعتی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۸.
۱۴. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶.
۱۵. گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۶.
۱۶. گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سازمان برنامه‌بودجه، سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۶.
۱۷. گزارش چکیده وضعیت بهره‌وری در ایران، سازمان ملی بهره‌وری، ۱۴۰۱.
۱۸. گزارش درآمدی بر راهبرد ارزی کشور: پیامدهای تثبیت نرخ ارز اسمی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۷۸۰۰، مهرماه ۱۴۰۰.
۱۹. مجموعه مطالعات دیپلماسی اقتصادی، ۱. اهمیت، رویکردها و ابزارها، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۷۸۵۷، سال ۱۴۰۰.
20. Cherif, R., & Hasanov, F. (2019). The return of the policy that shall not be named: Principles of industrial policy. International Monetary Fund.
21. UNIDO, (2022), Competitive Industrial Performance Index.
22. Weiss, J. (2015). Taxonomy of industrial policy. United Nation Industrial Development Organization.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir